

علی بن محمد ابن عنبسه و روایات منسوب به امام رضا (ع)

امیرحسین خورش^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۸، صفحه ۱۳ تا ۴۹ (مقاله پژوهشی)

چکیده

علی بن محمد ابن عنبسه (د. حدود ۳۳۰-۳۶۵ق) کتابی دارد که در آن روایاتی از خاندان ابوطالب (ع) گردآورده و این کتاب او از مصادر عیون أخبار الرضا ابن بابویه قمی (د. ۳۸۱ق) است. وی مدعی نقل متون خاصی از امام رضا (ع) از پدرانشان است که غالباً از غیر طریق او از امام رضا (ع) نقل نشده است. در اسناد احادیث او و برخی از متون احادیث او چالش‌هایی یافت می‌شود که ممکن است در انتساب روایات او به امام رضا (ع) و حتی مشایخ مستقیم ابن عنبسه تردید ایجاد کند. وی از سوی ابن غضائری و نجاشی تضعیف شده، اما وجه دقیق این دو تضعیف تاکنون کاویده نشده است. در پژوهش حاضر به مطالعه اسناد و متون روایات او پرداخته می‌شود و تلاش می‌شود که مشکل‌های آن‌ها روشن شود و بررسی شود که در صورت پذیرش این مشکل‌ها، مسئول آن‌ها کیست. به نظر می‌رسد بنابر شواهد سندی و متنی، مسئول بیشتر این مشکل‌ها ابن عنبسه باشد و بسیاری از اسناد او و حتی نام برخی از مشایخ او و روایانی که از آن‌ها نقل می‌کند، بر ساخته شخص او باشد.

کلیدواژه‌ها: علی بن محمد ابن عنبسه، دارم بن قبیصه، ابن غضائری، عیون أخبار الرضا، امام رضا(ع).

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران:

درآمد^۲

شیخ صدوق در *عیون أخبار الرضا* مجموعه‌های حدیثی مختلفی را از امام رضا (ع) روایت کرده است. می‌دانیم که امام رضا (ع) از جمله شناخته‌شده‌ترین شخصیت‌های اهل بیت (ع) هستند که مورد توجه امامیه، اهل سنت، زیدیه، و متصوفه هستند و مجموعه‌های حدیثی قابل توجهی به ایشان نسبت داده شده که لازم است انتساب آن‌ها ارزیابی شود. یکی از این مجموعه‌های حدیثی اثری است از علی بن محمد ابن عنبسه که ابن بابویه در *عیون أخبار الرضا* ۳۵ حدیث در کنار هم از آن مجموعه نقل کرد (ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ج ۲، ص ۱۵۱-۱۶۳، ۷۰۷) و البته در مصادر دیگر نیز روایاتی از او از امام رضا (ع) و دیگران نقل شده است.

علی بن محمد ابن عنبسه که در سده چهارم ادای حدیث داشته و در حدود ۳۳۰-۳۶۵ق درگذشته (نگر: ۱. ۴. طبقه ابن عنبسه)، از سوی ابن غضائری و نجاشی تضعیف شده است (نگر: ۱. شناخت ابن عنبسه)، اما در مقابل، یکی از معاصران درباره وی گفته است: «أحادیثه فی غایة الجوده أكثرها تدل علی حسن اعتقاده». (عباسی زنجانی، ۱۴۳۶ق، ج ۷، ص ۳۴۲)

در این پژوهش، کوشش می‌شود با توجه به اسناد و متون روایات ابن عنبسه تلاش شود تا مشخص شود که آیا ضعف روایی او پذیرفتنی است یا می‌توان به میراث روایی او اعتماد کرد و آن را از امام رضا (ع) دانست. پژوهش دیگری یافت نشد که درباره روایات ابن عنبسه یا شخصیت او بحثی را مطرح کرده باشد. نویسندگان در این پژوهش بر آن است که به اعتبارسنجی بخشی از میراث منسوب به امام رضا (ع) بپردازد.

۱. شناخت ابن عنبسه

ابوالحسن علی بن محمد بن جعفر بن عنبسه معروف به ابن رویده/ ریدویه (النجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۶۲؛ ابن المطهر، ۱۴۴۰ق، ج ۳، ص ۲۰۸) روایات محدودی در مصادر فریقین دارد. وی در اسناد روایات «مولى الرشید» دانسته شده (نمونه: ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۷۳؛ المدینی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۰۱؛ السلفی، ۲۰۰۴م-، ص ۱۴۰. البته نجاشی پدر وی را «مولى بنی هاشم» دانسته (النجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۷۶) که ظاهراً اشاره به همین ولاء دارد؛ چه هارون الرشید از بنی عباس از بنی هاشم است) که ظاهراً باید مربوط باشد به ارتباط ولایی برخی از پدران با هارون عباسی. در برخی مصادر نسب او چنین بیان شده است: «علی بن محمد بن جعفر بن أحمد بن عنبسه» (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۳۸۷، ۳۹۴؛ الخطیب البغدادی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۱۷۵؛ ابن

۲. لازم است از آقایان علی عادلزاده، عمیدرضا اکبری، امین حسین پوری، و محمد قندهاری تشکر کنم که با مطالعه این مقاله و ارائه نکات خویشان به بهبود آن کمک کردند.

الجوزی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۸۵). وی همچنین در برخی از مصادر و رآق دانسته شده است. (أبو نعیم، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۹۵؛ الخطیب البغدادی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۱۷۵)

ابن عنبسه به «الحداد العسکری» شناخته می‌شود (ابن الغضائری، ۱۳۸۰ش، ص ۸۱؛ النجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۶۲) وی در اسناد مختلفی «العسکری» (نمونه: ابن شاهین، ۱۴۲۴ق، ص ۱۵۶-۱۵۷) و در سندی «الأهوازی» (المدینی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۰۱) دانسته شده است؛ چنانکه نجاشی درباره پدرش گفته است: «الأهوازی الحداد، يعرف بابن رویدة» (النجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۷۶). نسبت عسکری وی باید مربوط به عَسْكَرْ مُكْرَمْ در اهواز باشد. گفتنی است که وی مدعی بوده که در سامراء، مشهد علی بن ابی طالب (ع)، و قصر ابن هُبَيْرَة (شهری میان بغداد و کوفه) اخذ حدیث کرده است (ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۷۳، ۶۹۴). همچنین از او در بصره حدیث شنیده شده است (ابن شاهین، ۱۴۲۴ق، ص ۱۵۶-۱۵۷).

ابن غضائری درباره ابن عنبسه گفته است: «ضعيف. روى عن الضعفاء. لا يُلتَفَتُ إليه» (ابن الغضائری، ۱۳۸۰ش، ص ۸۱). نجاشی نیز او را «مضطرب الحدیث» دانسته است (النجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۶۲). البته تعبیر «مضطرب الحدیث» در خلاصه الأقوال به صورت «مضطرب المذهب» آمده است (ابن المطهر، ۱۴۴۰ق، ج ۳، ص ۲۰۸)، اما این تعبیر به همان صورت «مضطرب الحدیث» در رجال ابن داود آمده است (ابن داود الحلّی، ۱۳۴۲ش، ص ۵۴۶). در مقابل، توثیق یا مدحی نسبت به او در مصادر متقدم یافت نمی‌شود.

۱. کتب ابن عنبسه

در فهرست نجاشی دو کتاب برای ابن عنبسه یاد شده است:

۱. کتاب *الکامل*؛ نجاشی درباره این کتاب می‌گوید: «يقال إنه في معنى كتب الحسين بن سعيد» (النجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۶۲). به توجه به عبارت «يقال...»، ظاهراً نجاشی خود این کتاب را ندیده است. همچنین مراد از «في معنى كتب الحسين بن سعيد» احتمالاً این است که *الکامل* کتاب فقهی بوده که در سی باب تبویب شده است؛ چنانکه درباره برخی از مصنفان گفته شده است: «له ثلاثون كتاباً، مثل كتب الحسين بن سعيد» و «کتبه مثل كتب الحسين بن سعيد علی عددها» (الطوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۴۵۳، ۴۰۶). از *الکامل* اثری در روایات عامه و امامیه یافت نشد؛ چه روایت فقهی از ابن عنبسه دستیاب نشده است.

۲. کتاب *من روى من نشأ من آل أبي طالب*؛ نام این کتاب به همین صورت در تحقیق شبیری زنجانی و تحقیق دریاب نجفی آمده است (النجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۶۲؛ ۱۴۴۲ق، ج ۲، ص ۱۰۴)، اما در تحقیق نائینی چنین آمده است: «کتاب من روى من نساء من آل أبي طالب» (النجاشی، ۱۴۰۸ق،

ج ۲، ص ۹۱). در نسخه رجال نجاشی در کتابخانه مجلس که در سال ۹۸۲ق کتابت شده نیز «نشأ» ضبط شده است. به نظر می‌رسد که همین صورت «نشأ» درست باشد؛ چه عمده روایات باقی‌مانده ابن عنبسه در مصادر موجود از مردان آل ابی طالب است و روایات محدودی از زنان آل ابی طالب دارد و به نظر می‌رسد همه روایاتی که ابن عنبسه از سلسله‌ای از آل ابی طالب نقل می‌کند، مرتبط با این کتاب باشد.

این کتاب ظاهراً از مصادر *عیون أخبار الرضا* است؛ چه ابن بابویه در *عیون* ۳۵ روایت پشت سر هم از ابن زریق از ابن عنبسه نقل می‌کند که اسناد از ابن عنبسه مختلف می‌شود و تمام اسنادی که ابن بابویه در این کتابش آورده از طریق امام رضا (ع) عبور می‌کند. ظاهراً این کتاب روایات مختلفی داشته که در آنها سلسله‌ای خاندانی از پیامبر (ص) حضور داشته‌اند. روایات ابن عنبسه از برخی از بنی الحسن و زید بن علی (نگر: جدول یک) نیز باید مربوط به همین کتاب باشد؛ با این حال، به دلیل موضوع کتاب *عیون أخبار الرضا* ابن بابویه مجموعه‌ای از روایات امام رضا (ع) را از این کتاب برگزیده است.

۱. ۲. طرق ابن عنبسه

تعداد	راوی ابن عنبسه	شیخ ابن عنبسه	شیخ شیخ ابن عنبسه	مصدر
۲۵	محمد بن احمد بغدادی	دارم بن قبیصه	امام رضا (ع)	ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۷۳- ۶۷۸، ۶۹۲-۶۹۶، ۶۹۷-۶۹۵، ۷۰۱-۷۰۷، ۷۶۴؛ ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۳۸۷؛ ۱۳۷۶ش، ص ۲۳۶؛ ۱۴۰۳ق، ص ۶۷
۳	محمد بن احمد بغدادی	دارم بن قبیصه و نعیم بن صالح طبری	امام رضا (ع)	ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۷۹؛ ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۳۹۴
۱	محمد بن احمد بغدادی	قاسم بن محمد بن عباس بن موسی بن جعفر و دارم	امام رضا (ع)	ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۸۰
۳	محمد بن احمد بغدادی	ابوالقاسم محمد بن عباس بن موسی بن جعفر و دارم	امام رضا (ع)	ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۸۱- ۶۸۳

۲	محمد بن احمد بغدادی	بکر بن احمد بن محمد	فاطمه بنت علی بن موسی (ع)	ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۸۴- ۶۸۵
۱	محمد بن احمد بغدادی	دارم بن قبیصه	امام رضا و امام جواد (ع)	ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۹۳
۱	محمد بن احمد بغدادی	حسن بن سلیمان ملطی و محمد بن قاسم بن عباس بن موسی و دارم	امام رضا (ع)	ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۹۴
۱	محمد بن احمد بغدادی	حسن بن سلیمان ملطی و نعیم بن صالح و دارم	امام رضا (ع)	ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۹۸
۲	محمد بن احمد بغدادی	نعیم بن صالح طبری	امام رضا (ع)	ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۹۹- ۷۰۰
۱	محمد بن احمد بغدادی	حسن بن سلیمان ملطی	امام رضا (ع)	ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۷۶۳
۱	محمد بن احمد بغدادی	حسین بن محمد علوی	امام رضا (ع)	ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۷۶۵
۱	محمد بن احمد بغدادی	دارم بن قبیصه	عبد الله بن محمد بن سلیمان بن عبد الله بن حسن	ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ص ۲۳۶
۱	محمد بن احمد بغدادی	یحیی بن عیسی ابن یحیی بن الحسین بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب	عیسی بن یحیی	دلائل الإمامة، ص ۱۴۸
۱	احمد بن محمد بن ایوب	بکر بن احمد	امام جواد (ع)	ابن شاذان، ۱۴۰۷ق، ص ۱۷۱

۱	ابن شاهین	دارم بن قبیصه	امام رضا (ع)	ابن شاهین، ۱۴۲۴ق، ص ۱۵۶
۵	ابن شاهین	دارم بن قبیصه	یغتم بن سالم	السلفی، ۲۰۰۴-ب، ص ۳۱، ۳۵، ۳۶؛ ابن النجار، [بی تا]، ص ۹۷، ۹۸
۱	ابن شاهین	دارم بن قبیصه	یحیی بن حسین بن زید بن علی	ابن الجوزی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۸۴
۱	ابوالحسن محمد بن جعفر حلوانی	بکر بن احمد	فاطمه بنت علی بن موسی (ع)	المدینی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۰۱
۱	ابو عبدالله احمد بن محمد بن خلیل	بکیر بن احنف	فاطمه بنت علی بن موسی (ع)	ابن الرازی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۷۴
۱	حسین بن محمد بن علی زعفرانی	عبد الله بن حسن بن ابراهیم انباری	اصمعی	أبو نعیم، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۹۵
۱	محمد بن جعفر بن محمد بغدادی	عبد الله بن حسن بن ابراهیم انباری	اصمعی	أبو نعیم، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۶۷۷
۱	ابوالفضل	عبد الله بن حسن بن ابراهیم انباری	اصمعی	السلفی، ۲۰۰۴م-، ص ۱۴۰

جدول یک: طرق ابن عنبسه

۳.۱. مشایخ ابن عنبسه

گذشت که ابن غضائری درباره ابن عنبسه گفته که او ضعیف است و از ضعفاء روایت می کند. در این بخش بر اساس اسناد احادیث (جدول شماره یک) و طرق فهرست نجاشی مشایخ حدیثی ابن عنبسه معرفی می شوند:

۱) محمد بن جعفر بن عنبسه؛ وی پدر علی بن محمد ابن عنبسه است و ابن عنبسه در طریق دو کتاب وی واقع شده است (النجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۷۶). نجاشی درباره او می گوید: «محمد بن جعفر بن عنبسه الأهوازی الحداد، يعرف بابن رویده، مولی بنی هاشم، یکنی أبا عبد الله، مختلط الأمر. له کتاب الخصال، وکتاب الکمال فيه آداب، قال أبو عبد الله بن عیاش: حدثنا بهما علی بن

محمد بن جعفر قال: حدثنا أبي«(همان). در مصادر فریقین یافت شد، روایتی از ابن عنبسه از پدرش دستیاب نشد.

(۲) ابوالحسن دارم بن قبیصه بن نهشل بن مجمع؛ وی مهم‌ترین شیخ ابن عنبسه است. ۳۴ روایت از ابن عنبسه یافت شد که در آنها ابن عنبسه از دارم -بدون عطف کردن شیخی دیگر بر او- روایت می‌کند. همچنین در ۹ روایت، ابن عنبسه از دارم به همراه یک یا دو شیخ دیگر نقل می‌کند. قابل توجه است که روایتی از ابن عنبسه دستیاب نشد که آن را از دو یا چند شیخ نقل کند که در میان آنها دارم حضور نداشته باشد. ابن غضائری دارم را تضعیف کرده است: «لا یؤنس بحدیثه، ولا یوثق به»(ابن الغضائری، ۱۳۸۰ش، ص ۵۸). البته روایتی از دارم به غیر طریق ابن عنبسه یافت نشد و فعلاً شاهدی مستقل از نقل‌های ابن عنبسه بر وجود خارجی دارم در دست نیست.

(۳) ابومحمد بکر بن احمد بن ابراهیم بن زیاد بن موسی بن مالک بن یزید اشج عصری. چهار روایت از ابن عنبسه از بکر بن احمد نقل شده است. وی توسط نجاشی تضعیف شده (النجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۰۹) که ممکن است ناظر به محتوای روایات او باشد. ابن غضائری نیز درباره او گفته است: «یزعم أنه من ولد أشج بنی عصر الوارد علی النبی صلی الله علیه وآله وسلم، ینکنی أبا محمد. یروی الغرائب، ویعتمد المجاهیل. وأمره مظلم»(ابن الغضائری، ۱۳۸۰ش، ص ۴۴). از تعبیر «یزعم أنه» می‌توان دریافت که ابن غضائری به نسب این راوی اطمینان نداشته است.

بکر بن احمد در یکی از اسناد ابن زریق، «غلام الخلیل الملحمی» دانسته شده است(ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۷۶۰). ابوالولید طیب السی (۱۳۳-۲۲۷ق) درباره او گفته است: «هذا خلیل الملحمی ضال یجتمع علیه الناس»(السیجستانی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۲۵). از بیان ابولید بر می‌آید که در روزگار او خلیل ملحمی تحدیث داشته است.

تنها راوی وی در فهرست نجاشی، ابن عنبسه است(النجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۰۹). همچنین ابن زریق سه روایت از «أبو الحسن أحمد بن الفضل إمام جامع الأهواز» از بکر بن احمد از امام حسن عسکری (ع) نقل کرده است(ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۷۶۰-۷۶۲).

مشکل این روایات ابن زریق آن است که طبقه‌ای که برای بکر در آنها وانمود می‌شود، با طبقه ادعایی بکر در روایات ابن عنبسه متفاوت است. ابن عنبسه از بکر با واسطه فاطمه بنت علی بن موسی (ع) و امام جواد (ع) از امام رضا (ع) نقل می‌کند. همچنین نجاشی -احتمالاً ناظر به همین روایات- درباره بکر بن احمد می‌گوید: «روی عن أبي جعفر الثاني عليه السلام»(النجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۰۹)، اما روایات احمد بن فضل از بکر بن احمد از امام حسن عسکری (ع) است.

قابل توجه است که این سه روایت که از غیر طریق ابن عنبسه است، از طریق ابن زریق بغدادی است که راوی کتابی از ابن عنبسه است و روایات ابن بابویه از او به آن کتاب مربوط می شود (نگر: ۱. ۳. راویان ابن عنبسه). پس از این سه روایت، بدون فاصله روایتی دیگر، ابن بابویه سه روایت از ابن زریق از ابن عنبسه آورده (ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۷۶۰-۷۶۵) که نشان می دهد در سه روایت پیشین نیز از همان دفتر استفاده کرده است. بنابراین احتمال دارد این سه روایت از زیادات ابن زریق بر کتاب ابن عنبسه باشد که با الگوی روایات ابن عنبسه پرداخته شده باشد. بر این اساس فعلاً این سه روایت را نمی توان شاهی مستقل از روایات ابن عنبسه بر وجود بکر بن احمد تلقی کرد. با این حال، ابن شاذان قمی روایتی را از ابن عیاش از ابن عنبسه از بکر بن احمد و از احمد بن محمد بن جراح از احمد بن فضل اهوازی از بکر بن احمد روایتی واحد را از امام جواد (ع) نقل کرده است (ابن شاذان، ۱۴۰۷ق، ص ۱۷۱).

بر این اساس، باید گفت که یا احمد بن فضل اهوازی روایات ابن عنبسه اهوازی را انتقال کرده یا هر دو واقعاً شخصی به نام بکر بن احمد را ملاقات کرده اند و از او روایت شنیده اند و روایات بکر بن احمد الگویی برای دیگر روایات ابن عنبسه شده و بخش اصیل تر روایات ابن عنبسه را تشکیل داده است. همچنین محتمل است که ابن عنبسه که راوی کتب منسوب به بکر بن احمد است، برخی از آن کتاب را در اهواز برای احمد بن فضل روایت کرده باشد و احمد بن فضل با کنارگذاشتن ابن عنبسه مستقیماً از کتاب های روایت کرده باشد. مشکل فرض اخیر آن است که ادعا شده که حسین بن احمد و احمد بن فضل با لفظ «حدثنا/ حدثنی» از بکر بن احمد روایت می کنند.

۴) بکیر بن احنف؛ ابن رازی به اسنادش از ابن عنبسه روایتی را از سلسله ای از فاطمه بنت علی بن موسی (ع) از بانوان اهل بیت (ع) نقل کرده است (ابن الرازی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۷۴). با توجه اینکه روایتی دیگر از ابن عنبسه از بکر بن احمد از همین سلسله نقل شده (المدینی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۰۱)، به نظر می رسد که «بکیر ابن احنف» تصحیف «بکر بن أحمد» باشد. با افزودن این روایت به روایت ابن عنبسه از بکر بن احمد، تعداد روایت او از بکر به پنج روایت افزایش می یابد.

۵) نُعیم بن صالح طبری؛ ۶ روایت از ابن عنبسه از وی یافت شد که تنها در ۲ روایت از آن ها نعیم بن صالح در کنار شیخ دیگری قرار نگرفته است. روایتی از نعیم بن صالح از غیر ابن عنبسه دستیاب نشد و فعلاً شاهی مستقل از نقل های ابن عنبسه بر وجود خارجی نعیم بن صالح در دست نیست.

۶) قاسم بن محمد بن عباس بن موسی بن جعفر علوی

۷) ابوالقاسم محمد بن عباس بن موسی بن جعفر علوی

۸) محمد بن قاسم بن عباس بن موسی علوی

از ابن عنبسه از هریک از این سه عنوان یک روایت یافت شد (جدول یک). اگر اشکالی در این اسناد پیش نیامده باشد، باید گفت که ابن عنبسه ادعای اخذ حدیث از سه سید موسوی را داشته است.

برای عباس بن موسی بن جعفر (ع) پنج پسر یاد شده که در میان آنها نام‌های محمد و قاسم نیز هست (ابن حزم، ۴۰۳ق، ص ۶۵)، اما از این دو فرزند و فرزندانشان روایتی از غیر طریق ابن عنبسه یافت نشد. همچنین عنوان شماره ۶ و ۸ ظاهراً برای دو نوه عباس پسر امام کاظم (ع) و عنوان شماره ۵ ظاهراً برای نوه امام کاظم (ع) است. برای تقریب می‌توان فرض کرد که حدوداً قاسم بن محمد و محمد بن قاسم در طبقه امام هادی (ع) هستند و محمد بن عباس در طبقه امام جواد (ع) است. حال سؤال این است که شخصی که حدوداً متوفای ۳۳۰-۳۶۵ق است و از کلینی (د. ۳۲۹ق) متأخر است، چگونه می‌تواند بدون واسطه از شخصی که هم طبقه امام جواد (ع) است و شخصی که هم طبقه امام هادی (ع) است، روایت کند.

۹) حسن بن سلیمان مَلَطی؛ ابن عنبسه یک حدیث از او و دارم و محمد بن قاسم، یک حدیث از او و دارم و نعیم بن صالح، و یک حدیث از او به تنهایی نقل کرده است. در منابع دردسترس روایتی از وی از غیر طریق ابن عنبسه یافت نشد. همچنین غیر ملطی، راوی‌ای با عنوان «حسن / حسین بن سلیمان» یافت نشد که از امام رضا (ع) روایت می‌کند.

۱۰) حسین بن محمد علوی؛ یک روایت از ابن عنبسه از وی یافت شد. از وی اطلاعات بیشتری دستیاب نشد. فعلاً دلیلی بر وجود خارجی او در دست نیست.

۱۱) یحیی بن عیسی بن یحیی بن حسین بن زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب؛ ابن عنبسه از این عنوان چنین روایت کرده است: «حدثنا یحیی بن عیسی ابن یحیی بن الحسین بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، قال: حدثنا أبی، عن أبیه، عن جدّه، عن الحسین بن علی، عن علی بن ابی طالب» (دلائل الإمامة، ص ۱۴۸). بر این اساس «أبی» باید «عیسی بن یحیی» و «أبیه»، «یحیی بن الحسین» و «جدّه»، «الحسین بن زید» باشد. همچنین ممکن است در این سند خانوادگی دو واسطه سقط شده باشد و در اصل ادعا بر آن بوده باشد که حسین بن زید نیز از زید بن علی و او از علی بن الحسین (ع) نقل کرده و علی بن الحسین (ع) باشد که از امام حسین (ع) نقل می‌کند. عیسی بن یحیی بن حسین ذوالدمعه بن زید شهید بن علی بن الحسین (ع)، فرزندی به نام یحیی داشته است (المروزی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۳). بنابراین وجود خارجی یحیی بن عیسی بن یحیی بن حسین ظاهراً از غیر طریق ابن عنبسه ثابت است. البته روایتی از یحیی در مصدري یافت نشد و ترجمه‌ای

از او به دست نیامد؛ لذا ممکن است نام او در اینجا تنها برای استفاده از یک سند خانوادگی ناشناخته آمده باشد که امکان اعتبارسنجی آن برای دیگران ممکن نباشد.

۱۲) عبد الله بن حسن بن ابراهیم انباری؛ از ابن عنبسه از وی از اصمعی روایت واحدی به دو تحریر «نحن سبعة بنو عبد المطلب...» و «نحن ستة عبد المطلب...» در منابع عامه نقل شده است (أبو نعیم، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۹۵؛ ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۶۷۷؛ الخطیب البغدادی، ۱۴۲۲، ج ۱۱، ص ۹۲؛ السلفی، ۲۰۰۴م-، ص ۱۴۰). عبد الله بن حسن بن ابراهیم ظاهراً در عامه تنها به همین حدیث شناخته می‌شود؛ چنانکه خطیب بغدادی در مدخل او می‌گوید که او از اصمعی حدیثی نقل کرده و پس از آن همین حدیث ابن عنبسه را می‌آورد. سپس می‌گوید: «هذا الحدیث منکر جداً، وهو غیر ثابت، وفي إسناده غیر واحد من المجهولین» (الخطیب البغدادی، ۱۴۲۲، ج ۱۱، ص ۹۲)؛ به هر حال گزارشی درباره او یا نقلی از او مستقل از طریق ابن عنبسه یافت نشد.

۱. ۴. راویان ابن عنبسه

در این بخش بر اساس فهرست نجاشی و جدول شماره یک به معرفی راویانی که از ابن عنبسه روایت می‌کنند، پرداخته می‌شود:

۱) ابوعلی حسین صائغ؛ در طریق نجاشی به کتب ابن عنبسه «أبو علی الحسین بن أحمد بن محمد بن منصور الصائغ» کتب او را روایت می‌کند (النجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۶۲). همچنین در طریق نجاشی به دارم بن قبیصه، «أبو علی الحسین بن ابراهیم بن میسور الصائغ» از ابن عنبسه از دارم روایت می‌کند (النجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۶۲). روایتی با واسطه او از ابن عنبسه در آثار درد سترس یافت نشد.

۲) ابو عبدالله احمد بن محمد ابن عیاش جوهری (د. ۴۰۱ق)؛ وی کتب بکر بن احمد بن ابراهیم اشج را از ابن عنبسه روایت کرده است (النجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۰۹). در مدخل ابن عنبسه نیز نجاشی از ابن عیاش داده‌ای درباره او نقل کرده است: «قال أبو عبد الله بن عیاش: يقال له ابن رویدة» (النجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۶۲). محمد بن احمد بن حسن بن شاذان با واسطه وی روایتی از ابن عنبسه نقل کرده است (ابن شاذان، ۱۴۰۷ق، ص ۱۷۱).

۳) ابوبکر محمد بن احمد بن حسین بن یوسف ابن زریق بغدادی؛ وی یگانه راوی میان ابن بابویه و ابن عنبسه در آثار موجود امامیه است و ابن بابویه ۴۳ روایت در این آثار در دسترس ما از او نقل کرده است. همچنین بیشینه روایات او در مصادر متقدم درد سترس امامیه از ابن عنبسه است و تنها شش روایت یافت شد که آن‌ها را از غیر ابن عنبسه نقل می‌کند (أبو نعیم، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۹۵).

خطیب بغدادی درباره وی می‌گوید: «محمد بن أحمد بن الحسين بن یوسف أبو بكر الوراق يعرف بابن زریق... بلغنی أن ابن زریق هذا كان حافظاً فهماً، وليس بمشهور عندنا، لأنه تغرب وأقام ببلاذ خراسان مدةً طويلة، ثم استوطن أذربيجان، وأظنه مات بها» (ابن بابویه، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۳۳۶-۳۳۷؛ ج ۲، ص ۶۴۱؛ ۴۳۷ق، ح ۷۶۰-۷۶۲).

۴) ابو حفص عمر بن احمد بن عثمان ابن شاهین بغدادی (۲۹۷-۳۸۵ق)؛ وی دست‌کم هفت روایت از ابن عنبسه نقل کرده است. وی از محدثان برجسته عامه است که هم‌اکنون آثار متعددی از او برجای مانده است.

۵) ابوسعید حسین بن محمد بن علی اصفهانی زعفرانی (ت ۳۶۹ق)؛ ابونعیم روایت «نحن سبعة بنو عبد المطلب سادات أهل الجنة...» را از او از ابن عنبسه نقل می‌کند (ابونعیم، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۳۶). ابونعیم درباره وی می‌گوید: «الحسين بن محمد بن علی أبو سعيد الزعفرانی كان بدار البلد في كثرة الحديث والأصول صاحب معرفة وإتقان صنف المسند والتفسير والشيوخ له من المصنفات شيء كثير» (ابونعیم، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۶۷۷).

۶) محمد بن جعفر بن محمد بغدادی (۲۶۷-۳۶۰ق)؛ ابونعیم روایت «نحن ستة بنو عبد المطلب سادات أهل الجنة...» را از وی از ابن عنبسه نقل می‌کند (الخطیب البغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۵۳۱). درباره وی گفته شده است: «كان قريب الأمر فيه بعض الشيء» (السلفی، ۲۰۰۴م-۱، ص ۱۴۰).

۷) ابوالفضل شیبانی (۲۹۷-۳۸۷ق)؛ روایت «نحن سبعة بنو عبد المطلب سادات أهل الجنة...» از او از ابن عنبسه نقل شده است (الخطیب البغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۷۵).

۸) ابوصالح سهل بن اسماعیل بن سهل جوهری طرسوسی؛ خطیب بغدادی در مدخل وی در میان مشایخ وی ابن عنبسه را یاد می‌کند و پس از یادکردن مشایخ و راویان سهل بن اسماعیل، سهل را توثیق می‌کند (المدینی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۰۱).

۹) ابوالحسن محمد بن جعفر حلوانی؛ ابوموسی مدینی (د. ۵۸۱ق) روایت ست فواطم را به اسنادش از حلوانی از ابن عنبسه نقل کرده است (ابن الرازی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۷۴).

۱۰) ابوعبدالله احمد بن محمد بن خلیل؛ ابن رازی روایت «لما أسرى بی...» را به اسنادش از احمد بن محمد بن خلیل از ابن عنبسه روایت کرده است (الطوسی، ۱۴۲۷ق، ص ۴۳۳).

۱۱) ابومحمد هارون بن موسی تلکبری (د. ۳۸۵ق)؛ شیخ طوسی در «باب من لم یرو عن واحد من الأئمة علیهم السلام» می‌نویسد: «علی بن محمد الحداد، یکنی أبا الحسن، صاحب کتب

الفضل بن شاذان، روی عنه التلعکبری إجازة^۳. البته باید در خصوص درستی اطلاعات این مدخل رجال شیخ تأمل کرد؛ چه در موضع دیگری به روایت تلعکبری از ابن عنبسه یا روایت بی واسطه یا با واسطه ابن عنبسه از فضل بن شاذان برخورد نکردیم. البته ممکن است اطلاعات عنوان ابوالحسن علی بن محمد بن عنبسه با ابوالحسن علی بن محمد بن قتیبه در مصدر رجال شیخ یا نزد شیخ در نسخه رجال شیخ با هم خلط شده باشد؛ چه ابن قتیبه که کنیه و نام و نام پدرش با ابن عنبسه متحد است، از تلمیذ فضل بن شاذان بوده (الطوسی، ۱۴۲۷ق، ص ۴۲۹) و چنین وصف شده است: «صاحب الفضل بن شاذان وروایه کتبه» (النجا شی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۵۹). مشابهت تعبیر «صاحب الفضل بن شاذان» با «صاحب کتب الفضل بن شاذان» هم قابل توجه است.

۱. ۵. طبقه ابن عنبسه

گذشت که ابو سعید زعفرانی (د. ۳۶۹ق)، محمد بن جعفر بغدادی (۲۶۷-۳۶۰ق)، ابن شاهین (۳۸۵-۲۹۷ق)، ابوالفضل شیبانی (۲۹۷-۳۸۷ق)، و ابن عیاش (د. ۴۰۱ق) از ابن عنبسه روایت می کنند. تاریخ وفات شش تن از راویان ابن عنبسه میان ۳۶۰ تا ۴۰۱ق می شود. همچنین می دانیم که ابن شاهین، ابوسعید زعفرانی، محمد بن جعفر بغدادی، و ابن عیاش هر سه با تعبیر «حدثنا/ ثنا» از ابن عنبسه روایت کرده اند (ابن شاهین، ۱۴۲۴ق، ص ۱۵۶؛ الخطیب البغدادی، ۱۴۲۲، ج ۱۱، ص ۹۲؛ ابو نعیم، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۶۷۷؛ النجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۰۹). پس دلیل خاصی نداریم که در تحمّل حدیث مستقیم اینان از ابن عنبسه تردید کنیم.

اگر فرض کنیم که ابن عنبسه حدود ۳۵ سال پیش از کسانی که از او روایت می کنند، فوت کرده باشد، باید فوت او را در حدود ۳۲۵ تا ۳۶۵ق بدانیم. البته ابن بابویه (د. ۳۸۱ق) نیز با یک واسطه از ابن عنبسه روایت می کند. اگر فرض کنیم که ابن عنبسه ۷۰ سال پیش از ابن بابویه فوت کرده باید وفات او را در حدود ۳۱۰ق بدانیم. البته چون ابن شاهین ۲۹۷ق به دنیا آمده و عادتاً نمی تواند در حدود ۱۰ سالگی اخذ حدیث کند، مناسب است حد آغازین احتمالی وفات ابن عنبسه را در همان سال ۳۲۰ق نگاه داریم.

همچنین اگر در ادعای اخذ حدیث مستقیم ابن عیاش از ابن عنبسه تردیدی نکنیم باید حد زمانی احتمالی آغازین را باز هم دیرتر در نظر بگیریم؛ چه اینکه غریب خواهد بود که فرض کنیم ابن عیاش از کسی تحمّل حدیث کرده که هشتاد سال پیش از او درگذشته است؛ لذا مناسب است دست کم حد آغازین احتمالی وفات ابن عنبسه را سال ۳۳۰ق در نظر بگیریم. بنابراین می توانیم فرض کنیم که ابن عنبسه میان سال های ۳۳۰ق تا ۳۶۵ق فوت کرده است.

گفتنی است نمی‌توان برای تعیین طبقه و روزگار ابن عنبسه از مشایخ او و مشایخ مشایخش استفاده کرد؛ زیرا دلیلی بر وجود خارجی اکثر مشایخش نداریم و در ادامه اشکال‌های مختلفی به ادعاهای او نسبت به اسنادش و مشایخش مطرح می‌شود.

۲. اشکال‌های سندی

در بخش شناخت مشایخ ابن عنبسه روشن شد که عمده مشایخ او از غیر طریق او شناخته شده نیستند و شاهد مستقلی بر وجود تاریخی آنها در دست نیست و احتمال دارد صرفاً نام‌هایی باشند که عمدتاً از آنها برای انتساب احادیث به برخی از خاندان پیامبر (ص) استفاده می‌شود. این اشکال خود می‌تواند منجر به بی‌اعتمادی نسبت به میراث روایی ابن عنبسه شود؛ با این حال، در این بخش از این اشکال مهم صرف نظر می‌شود و دیگر اشکال‌های موردی در اسناد او توجه خواهد شد.

۲. ۱. عطف‌های غریب در اسناد

احادیث برجای‌مانده از ابن عنبسه نشان‌دهنده علاقه وافر او به انتساب احادیث خود به اسنادی خانوادگی از خاندان پیامبر (ص) است. همچنین مشاهده شد که ابن عنبسه احادیثی را از دو یا سه شیخ نقل می‌کند و به عطف در اسناد علاقه‌مند است. ترکیب این دو علاقه نتیجه غریبی را رقم می‌زند: عطف در بخش علوی اسناد. در ادامه موارد این عطف بررسی می‌شود:

- «... علی بن محمد بن عنبسه قال حدثنا دارم بن قبیصة النهشلی قال حدثنا علی بن موسی الرضاع ومحمد بن علی ع قالاً سمعنا المأمون یحدث عن الرشید عن المهدي عن المنصور عن أبيه عن جده قال: قال ابن عباس...» (ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۹۳). در این سند یک سند خاندانی عباسی (مأمون - هارون الرشید - مهدی - منصور - محمد بن علی - علی بن عبد الله بن عباس - عبد الله بن عباس) با نام امام رضا (ع) و امام جواد (ع) پیوند خورده است. این مورد، غریب است و روایت دیگری که این دو امام هر دو در سند آن در طبقه واحدی حضور داشته باشند، یافت نشد. در این سند ادعا شده که هر دوی امام رضا (ع) و امام جواد (ع) گفته‌اند که این حدیث عباسی را از مأمون سماع کرده‌اند و هر دو این حدیث را برای دارم بن قبیصة نقل کرده‌اند و دارم آن را برای ابن عنبسه گفته است. این حدیث در طریق دیگری از هیچ‌یک از امام رضا (ع) و امام جواد (ع) یافت نشد.

- «... علی بن محمد بن عنبسه مولى الرشید قال حدثنا دارم ونعیم بن صالح الطبری قالاً حدثنا علی بن موسی الرضاع عن أبيه عن جده عن محمد بن علی عن أبيه ومحمد بن الحنفیه عن علی بن أبي طالب ع أن رسول الله ص قال:...» (ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۷۹). در اینجا ادعا شده که امام باقر (ع) حدیثی را همزمان از امام سجاد (ع) و محمد حنفیه نقل کرده‌اند و این سند خاندانی از

طریق امام رضا (ع) به هردوی دارم و نعیم بن صالح رسیده و آن دو نیز این سند طریف را به ابن عنبسه سپرده‌اند. عطف ابن حنفیه به امام سجاد (ع) در مصدر دیگری یافت نشد.

- «... علی بن محمد بن عنبسه قال حدثنا القاسم بن محمد بن العباس بن موسی بن جعفر العلوی ودارم بن قبیصه النهشلی قالا حدثنا علی بن موسی الرضا قال سمعت ابي يحدث عن ابيه عن جده محمد بن علی عن علی بن الحسين عن ابيه ومحمد بن الحنفیه عن علی بن ابي طالب ع أن رسول الله ص قال: «...» (ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۸۰). در این سند ابن حنفیه به جای امام سجاد (ع) به امام حسین (ع) عطف شده و ادعا شده که این سند از طریق امام رضا (ع) به قاسم بن محمد و دارم بن قبیصه و از طریق آن دو به ابن عنبسه سپرده شده است. عطف ابن حنفیه به امام حسین (ع) در مصدر دیگری یافت نشد.

- «و عن علی بن محمد قال حدثنا أبو القاسم محمد بن العباس بن موسی بن جعفر العلوی ودارم بن قبیصه النهشلی قالا حدثنا علی بن موسی الرضا قال سمعت ابي يحدث عن ابيه عن جده محمد بن علی عن علی بن الحسين عن ابيه ومحمد بن الحنفیه عن علی بن ابي طالب ع قال سمعت رسول الله ص يقول: «...» (ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۸۱). در این سند مانند سند پیشین ابن حنفیه بر امام حسین (ع) عطف شده، با این تفاوت که ادعا شده این حدیث را امام رضا (ع) به ابوالقاسم علوی و دارم و آن دو به ابن عنبسه سپرده‌اند. دو حدیث بعد از این حدیث با تعبیر «وبهذا الإسناد قال قال رسول الله ص» شروع شده است (ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۸۲، ۶۸۳)؛ لذا ادعا شده با این سند غریب سه حدیث منتقل شده است.

- «... علی بن محمد بن عنبسه قال حدثني أبو الحسن بكر بن أحمد بن محمد بن إبراهيم بن زياد بن موسى بن مالك الأشجعي العصري قال حدثنا فاطمة بنت علی بن موسی ع قالت سمعت ابي علياً يحدث عن ابيه عن جعفر بن محمد عن ابيه وعمه زيد عن ابيهما علی بن الحسين عن ابيه وعمه عن علی بن ابي طالب ع قال: «...» (ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۸۴). در این حدیث مانند مورد پیشین ابن حنفیه بر امام حسین (ع) عطف شده است، اما به این مقدار بسنده نشده و زید بن علی (ع) نیز به امام باقر (ع) عطف شده است. در این حدیث بر خلاف موارد پیشین واسطه ادعایی میان امام رضا (ع) و ابن عنبسه، بکر بن احمد است. این سند غریب با عبارت «وبهذا الإسناد عن النبي ص...» نیز بر سند حدیث دیگری قرار گرفته است (ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۸۵).

- «حدثني أبو عبد الله أحمد بن محمد بن أيوب رحمه الله قال حدثني علی بن محمد (بن عيينه بن رويده) عن بكر بن أحمد وحدثني أحمد بن محمد بن الجراح قال حدثني أحمد بن الفضل الأهوازي قال حدثني بكر بن أحمد قال حدثني محمد بن علی النقي عن ابيه قال حدثني موسی بن

جعفر عن أبيه عن محمد بن علي ع عن فاطمة بنت الحسين عن أبيها وعمها الحسن بن علي ع قال حدثنا أمير المؤمنين...» (ابن شاذان، ۱۴۰۷ق، ص ۱۷۱). در این سند نیز امام حسن (ع) بر امام حسین (ع) عطف شده‌اند. در خصوص این حدیث ادعا شده که آن را هردوی ابن عبّسه و احمد بن فضل از بکر بن احمد شنیده‌اند. در این مورد می‌تواند دو فرض را مطرح کرد: فرض نخست آنکه سند اصلی مربوط به ابن عبّسه از بکر بن احمد با شد و ابن عبّسه -مانند سندهای پیشین- به دلیل علاقه‌اش به استفاده عطفی از افراد برجسته خاندان پیامبر (ص)، از حسین (ع) در یک طبقه استفاده کرده باشد، اما پس از او سند او توسط راوی دیگری -احمد بن فضل یا کسی که از نام او استفاده کرده- انتحال شده باشد. فرض دوم آنکه بکر بن احمد وجود خارجی داشته باشد و واقعاً چنین حدیثی را با چنان سندی برای ابن عبّسه و احمد بن فضل نقل کرده باشد و ابن عبّسه که خود راوی این حدیث است، در پردازش دیگر احادیثش از این الگو بهره برده باشد.

- «... علی بن محمد بن جعفر الأهوازی مولى الرشيد حدثنا بکر بن أحمد البصرى حدثنا فاطمة بنت علی بن موسى الرضى حدثتني فاطمة وزينب وأم كلثوم بنات موسى بن جعفر قلن حدثتنا فاطمة بنت جعفر بن محمد الصادق قالت حدثتني فاطمة بنت محمد بن علی حدثتني فاطمة بنت علی بن الحسين حدثتني فاطمة وسكينة ابنتا الحسين بن علی عن أم كلثوم بنت فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وسلم عن فاطمة بنت رسول الله» (المدینی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۰۱).

- «... علی بن محمد بن جعفر الأهوازی قال حدثني بكير ابن أحنف قال حدثنا فاطمة بنت علی بن موسى الرضا ع قالت حدثتني فاطمة وزينب وأم كلثوم بنات موسى بن جعفر قلن حدثنا فاطمة بنت جعفر بن محمد ع قالت حدثتني فاطمة بنت محمد بن علی ع قالت حدثتني فاطمة بنت علی بن الحسين ع قالت حدثتني فاطمة وسكينة ابنتا الحسين بن علی ع عن أم كلثوم بنت علی ع عن فاطمة بنت رسول الله ص» (ابن الرازی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۷۴). در این دو سند خاندانی، از بانوان اهل بیت (ع) نیز در دو طبقه عطف مشاهده می‌شود.

۲.۲. اسناد متفاوت برای متن واحد

ابن عبّسه در دو جای میراث موجود روایی‌اش دو حدیث منفرد می‌آورد که آن‌ها را به دو سند متفاوت نقل می‌کند. در ادامه به این دو حدیث پرداخته می‌شود:

الف) حدیث علت تسمیه حضرت فاطمه (س)

حدثنا محمد بن أحمد بن الحسين بن يوسف البغدادي قال حدثنا علی بن محمد بن عبّسه قال حدثنا دارم بن قبيصة النهشلي قال حدثنا علی بن موسى الرضا ع ومحمد بن علی ع قال سمعنا المأمون يحدث عن الرشيد عن المهدي عن المنصور

عن أبيه عن جده قال: قال ابن عباس لمعاوية أتدري لم سميت فاطمة فاطمة؟ قال لا قال لأنها فطمت هي وشيعتها من النار سمعت رسول الله ص يقول (ابن بابويه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۹۳).

غرابت سند این متن در بخش پیشین مورد توجه قرار گرفت. مشابه این حدیث از تلعبیری از ابن بابویه از ابن زریق از ابن عنبسه نقل شده است: «... علی بن محمد بن عنبسه، قال: حدثنا يحيى بن عيسى ابن يحيى بن الحسين بن زيد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب، قال: حدثنا أبي، عن أبيه، عن جده، عن الحسين بن علي، عن علي بن أبي طالب (عليهم السلام)، قال: سمعت رسول الله (صلى الله عليه و آله) يقول: إنما سميت فاطمة فاطمة لأنها فطمت هي وشيعتها وذريتها من النار» (دلایل الإمامه، ص ۱۴۸).

این حدیث در آثار موجود ابن بابویه یافت نمی شود و می دانیم که وی آثار بسیاری داشته که امروزه در دست نداریم. به نظر می رسد در انتساب هر دو حدیث به ابن عنبسه اشکالی نباشد؛ چه هر دو حدیث ویژگی احادیث ابن عنبسه را دارد: سند عیون أخبار الرضا حدیثی از امام رضا (ع) از پدرانشان است و عطف در بخش علوی اسناد نیز دارد. سند دلایل الإمامه هم از سلسله ای از خاندانی علوی است و در آن گفته شده که ابن عنبسه این حدیث را از یحیی بن عیسی از عیسی بن یحیی از یحیی بن حسین ذی الدمعه گرفته است. ابن عنبسه در جای دیگری نیز با واسطه دارم حدیثی را به یحیی بن حسین ذی الدمعه نسبت می دهد (ابن الجوزی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۸۴). بر این اساس دو تحریر از حدیث تسمیه حضرت فاطمه (س) را ابن عنبسه به دو سند غریب علوی نسبت می دهد.

اصل این مضمون که علت نام گذاری حضرت فاطمه (س) به «فاطمه» این بوده که ایشان و محبان / شیعیان / ذریه ایشان از جهنم گرفته شده اند در اخبار دیگری نیز آمده است (الکوفی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۱۸۸، از سهل بن سعد از پیامبر (ص)؛ صحیفه الرضا، ص ۴۵؛ النیسابوری، ۱۴۲۹ق، ص ۷۲، از ابوهریره؛ ابن بابویه، ۱۳۶۱ش، ص ۳۹۶، از سدیر از امام صادق (ع)؛ الطوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۹۳، از امام هادی از امام جواد از امام رضا (ع)؛ الطوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۶۹، از محمد بن علی بن حسین بن زید از امام رضا (ع)؛ الخطیب البغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۴، ص ۲۸۷، از ابن عباس از پیامبر (ص)؛ الشجری، ۱۴۲۹ق، ص ۲۲۸، از اسحاق بن جعفر از امام کاظم (ع).). در این میان نزدیک ترین متنی که به متن حدیث ابن عنبسه از دارم است، متن روایتی از جندل بن والی (د. ۲۲۶ق) از محمد بن عمر است:

روایت ابن عنبسه از دارم بن قبیصة	روایت جندل بن والی از محمد بن عمر
... قال ابن عباس لمعاوية أتدري لم سُمِّيَتْ فاطمةُ فاطمة؟ قال لا قال لأنها فطمت هي وشيعتها من النار سمعت رسول الله ص يقول (ابن بابويه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۹۳).	... عن جعفر بن محمد بن علي عن أبيه ع قال: قال رسول الله ص يا فاطمة أتدريين لم سُمِّيَتْ فاطمةُ فقال علي ع يا رسول الله لم سُمِّيَتْ قال لأنها فطمت هي وشيعتها من النار (ابن بابويه، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۷۹).

جدول دو: مقایسه دو نقل از روایت علت تسمیه حضرت فاطمه (س)

ممکن است ریشه اولیه روایت ابن عنبسه در *عیون أخبار الرضا* همین روایت جندل بن والی باشد؛ چه در دیگر نقل‌های مربوط به تعلیل تسمیه حضرت فاطمه (س) تعبیر مشابه «أتدري لم سمیت» یافت نشد. همچنین ممکن است مصدر دیگری در دست ابن عنبسه بوده باشد که این متن یا متنی مشابه با آن را به سندی از بنی عباس یا سند دیگری نقل کرده باشد و ابن عنبسه طریق رضوی خود را بر سر بخش ابتدایی آن سند گذاشته باشد.

ب) روایت ۱۲۴ هزار وصی

ابن بابویه در *الأمالی* از ابن زریق از ابن عنبسه روایتی را دربارهٔ افضلیت پیامبر (ص) در ۱۲۴ هزار پیامبر (ص) و افضلیت امیرالمؤمنین (ع) در ۱۲۴ هزار وصی نقل کرده است. ابن بابویه ابتدا نقل کرده که ابن عنبسه این حدیث را از دارم بن قبیصة از امام رضا (ع) از پدران‌شان (ع) از پیامبر (ص) نقل کرده است. سپس با آوردن تعبیر «وحدثني بهذا الحديث» سند دومی برای این حدیث می‌آورد: «قال الشيخ وحدثني بهذا الحديث محمد بن أحمد البغدادي الوراق قال حدثنا علي بن محمد مولى الرشيد قال حدثني دارم بن قبيصة قال حدثني عبد الله بن محمد بن سليمان بن عبد الله بن حسن عن أبيه عن جده عن زيد بن علي عن أبيه عن الحسين بن علي بن الحسين عن أبيه عن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ع عن النبي ص» (ابن بابويه، ۱۳۷۶ش، ص ۲۳۶).

این حدیث به این تحریر خاص در جای دیگری یافت نشد. از تعبیر «بهذا الحديث» به نظر می‌رسد ابن عنبسه مدعی بوده آن متن خاص در هر دو طریق یکسان منتقل شده است. ابن بابویه در *الخصال* این حدیث را به همین دو سند نقل می‌کند (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۶۴۱، ح ۱۸-۱۹) و چون متن حدیث را در آنجا در هر دو حدیث نقل کرده و از تعبیر «بهذا الحديث» استفاده نکرده، بهتر می‌توان دریافت که میزان مشابهت این دو متن چه قدر بوده است:

روایت ابن عنبسه از دارم از عبد الله بن محمد	روایت ابن عنبسه از دارم از امام رضا (ع)
حدثنا محمد بن أحمد البغدادي [الوراق قال حدثنا علي بن محمد مولى الرشيد قال حدثني دارم	حدثنا محمد بن أحمد البغدادي الوراق قال حدثنا علي بن محمد مولى الرشيد قال حدثنا دارم

<p>بن قبیصه] (در چاپ الخصال نام این عبارت ساقط شده و ما سند را بر اساس سند الامالی اصلاح کردیم) قال حدثنی عبد الله بن محمد بن سلیمان بن عبد الله بن الحسن عن ابيه عن جده عن زيد بن علی عن ابيه علی بن الحسن عن ابيه عن أمير المؤمنين علی بن ابي طالب ع عن النبي ص قال:</p>	<p>بن قبیصه بن نهشل بن مجمع السائح قال حدثنا علی بن موسی الرضا قال حدثنا ابي موسی بن جعفر عن ابيه جعفر بن محمد عن ابيه محمد بن علی عن ابيه علی بن الحسن عن ابيه الحسين بن علی عن أمير المؤمنين علی بن ابي طالب ع عن النبي ص قال:</p>
<p><u>خلق الله عز و جل ما ئة ألف نبی وأربعه وعشرين ألف نبی وأنا أكرمهم علی الله ولا فخر</u> <u>وخلق الله عز و جل مائة ألف وصی وأربعه وعشرين ألف وصی فعلى أكرمهم علی الله وأفضلهم.</u></p>	<p><u>خلق الله عز و جل ما ئة ألف نبی وأربعه وعشرين ألف نبی أنا أكرمهم علی الله ولا فخر</u> <u>وخلق الله عز و جل مائة ألف وصی وأربعه وعشرين ألف وصی فعلى أكرمهم علی الله وأفضلهم.</u></p>

جدول سه: مقایسه دو حدیث ابن عنبسه

از این دو حدیث دانسته می‌شود که ابن عنبسه حدیثی ۳۳ کلمه‌ای را -که به این تحریر خاص در دیگر مصادر درد سترس یافت نمی‌شود-، به دو طریق علوی مستقل نسبت داده است: یکی از دارم از امام رضا (ع) و دیگری از دارم از عبد الله بن محمد بن سلیمان بن عبد الله محض بن حسن مثنی از محمد بن سلیمان از عبد الله محض از زید بن علی نقل شده است. گفتنی است دیگر مصادر عبد الله بن محمد بن سلیمان هاشمی از پدرانش روایت می‌کند (نمونه: ابن ابي الحديد، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ص ۲۱۱)؛ لذا در اصل وجود چنین سند خاندانی‌ای اشکال نیست؛ با این همه، اینکه ابن عنبسه این حدیث را با این تحریر خاص که در مصدر دیگری یافت نشده از این دو طریق هاشمی به صورت مستقل گرفته باشد، غریب می‌نماید و به نظر می‌رسد چنین متنی نمی‌تواند از هر دو طریق مستقل به دارم به ابن عنبسه رسیده باشد.

۲.۳. قرب اسناد

پیشتر به نمونه‌ای از قرب اسناد ناپذیرفتی ابن عنبسه در هنگام بحث از مشایخ او (۱.۳) ذیل شیخ ششم و هفتم توجه شد. در این بخش به نمونه‌هایی توجه می‌شود:

الف) احادیث یغتم بن سالم

ابن بابویه از ابن زریق با سند «حدثنا علی بن محمد بن عنبسه مولى الرشيد قال حدثنا دارم بن قبیصه قال حدثنا نعم [كذا. والصحیح: یغتم] بن سالم قال: سمعت أنس بن مالک» حدیث غدیر را از پیامبر (ص) نقل کرده است (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۶۷). ابن شاهین نیز پنج حدیث متفاوت با همین سند ابن عنبسه از دارم از یغتم بن سالم از انس نقل کرده است (السلفی، ۲۰۰۴-ب، ص ۳۱، ۳۵، ۳۶؛ ابن النجار، [بی‌تا]، ص ۹۷، ۹۸).

ابن عنبسه هم در حدیث ابن بابویه از ابن زریق و هم در پنج حدیث ابن شاهین، با تعبیر «حدثنا/ حدثنی» مدعی بوده که این حدیث را با سماع یا قرائت از یغتم بن سالم از دارم گرفته است. تعبیر «قال سمعت» نیز نشان می‌دهد که ابن عنبسه مدعی بوده که یغتم این حدیث را مستقیماً از انس بن مالک (د. ۹۰ق یا پس از آن) شنیده است. طبق ادعای ابن عنبسه نباید در این احادیث ارسالی وجود داشته باشد. وجود این احادیث به صورت مستقل در سه کتاب و وجود آن در حدیث دو شاگرد متفاوت ابن عنبسه (ابن زریق و ابن شاهین) نشان می‌دهد که مشکلات این سند متوجه ابن عنبسه یا دارم یا یغتم باید باشد و نمی‌تواند ارتباطی با ابن زریق، ابن شاهین، و یا ابن بابویه داشته باشد. افزون بر این، ابن زریق و ابن شاهین با تعبیر «حدثنا» از ابن عنبسه روایت کرده‌اند؛ لذا نمی‌توان مشکلات این سند را به یک اشکال در نسخه کتاب ابن عنبسه فروکاست.

اگر فرض کنیم که به صورت متوسط میان وفات هر شیخ و تلمیذ، حدود ۳۵ سال باید فاصله باشد، باید بر آن باشیم که در یک اخذ حدیث معمول، باید میان ابن عنبسه (د. حدود ۳۳۰-۳۶۵ق) و انس بن مالک (د. میان ۹۰-۹۳ق) حدوداً پنج تا هفت راوی واسطه باشد. بدین صورت روشن است که ابن عنبسه نمی‌تواند با دو واسطه از انس بن مالک روایت کند. حال باید بررسی بیشتری کرد تا روشن شود که مشکل از ابن عنبسه یا شخص منحصر به فردش دارم است یا از یغتم بن سالم.

یغتم بن سالم بن قنبر نوه قنبر مولی علی بن ابی طالب (ع) است. ابن شاهین از نصر بن قاسم فرائضی (د. ۳۱۸ق) از عیسی بن مساور جوهری (د. ۲۴۴ق) نقل کرده که گفته که یغتم بن سالم بن قنبر را در سال ۱۷۰ق ملاقات کرده و یغتم بدو گفته است: «[اکنون] ۱۱۲ سال دارم. انس بن مالک به من گفت:...» (ابن شاهین، ۱۴۱۵ق، ص ۱۶۰). ابن مغازلی و ابوطاهر سلفی همین نقل را از ابن شاهین نقل کرده‌اند با این تفاوت که در آن به جای «سنه سبعین ومائه»، «سنه تسعین ومائه» آمده است (ابن المغازلی، ۱۴۲۴ق، ص ۱۶۹؛ السلفی، ۲۰۰۴م-ب، ص ۳۲). مؤید این نقل عبارت ذهبی درباره یغتم است: «قلت: بقي إلى حدود التسعين ومائه» (الذهبی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۴۷۶).

ذهبی درباره یغتم می‌گوید: «او نسخه‌ای از انس دارد که گویا موضوع است... بر رهاکردن [احادیث] یغتم اجماع شده است. پس نباید از اسناد عالی او شاد شد... ابوحاتم گفت: او مجهول و "ضعیف الحدیث" است. ابن عدی گفت: عموم روایاتش [از غیر طریق او] باقی نمانده است. طحاوی گوید: شنیدم که یونس بن عبدالاعلی می‌گفت: یغتم بن سالم بر ما در مصر وارد شد. نزد او آمده و از او شنیدم که می‌گفت: "با زنی از جن ازدواج کردم". پس نزد او بازنگشتم. ابن حبان

گفت: او حدیث وضع می‌کرد و به انس نسبت می‌داد. گوئیم: تا حدود ۱۹۰ زنده ماند» (الذهبی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۴۷۵).

بر اساس آنچه گفته شد روشن می‌شود که باید عمده مشکل علو سند در روایات ابن عنبسه از یغتم بن سالم مربوط به یغتم باشد. البته باید در خصوص سهم ابن عنبسه نیز تأمل کرد؛ چه اگر یغتم بن سالم در حدود ۱۹۰ق از دنیا رفته باشد، باز هم روایت ابن عنبسه (د. حدود ۳۳۰-۳۶۵ق) با یک واسطه از یغتم مشکل می‌شود. در ادامه به چالش روایت‌های ابن عنبسه با یک واسطه از امام رضا (ع) (د. ۲۰۳ق) پرداخته می‌شود. این چالش به اینجا هم تسری پیدا می‌کند.

ب) احادیث مروی از امام رضا (ع)

در میان احادیثی که ابن عنبسه از امام رضا (ع) نقل می‌کند ۴۰ حدیث را با واسطه یک طبقه و ۵ حدیث را با واسطه دو طبقه از ایشان نقل کرده است. وی در احادیثی که با واسطه یک طبقه به امام رضا (ع) نسبت می‌دهد از انواع مشایخش از جمله دارم، نعیم بن صالح، قاسم بن محمد، ابوالقاسم محمد، حسن بن سلیمان، و حسین بن محمد به عنوان واسطه میان خودش و امام رضا (ع) استفاده می‌کند.

امام رضا (ع) در سال ۲۰۳ق (و در نقل‌های دیگر: ۲۰۱ یا ۲۰۲ق) به شهادت رسیده‌اند. اگر فرض کنیم که میان شیخ و تلمیذ عادتاً حدود ۳۵ سال فاصله است، باید بگوئیم که ابن عنبسه (د. ۳۳۰-۳۶۵ق) در یک شرایط معمول باید با دو تا چهار واسطه از امام رضا (ع) روایت کند؛ چنانکه کلینی (د. ۳۲۹ق) که به لحاظ طبقه بر ابن عنبسه مقدم است، از امام رضا (ع) ۴۳۲ روایت با واسطه سه طبقه، ۲۵۹ روایت با واسطه چهار طبقه، و ۴۹ روایت با واسطه پنج طبقه نقل کرده است (این عدد بر اساس نرم‌افزار درایه النور نسخه ۱،۲ است که در صورتی که عطف در سند رخ داده باشد، یک سند را چند سند به حساب می‌آورد. این مشکل اگرچه معمولاً حدود ۲۰٪ تا ۵۰٪ به روایات یک راوی می‌افزاید، در مقیاس‌های بالا تأثیر بسزایی در درصد روایات (نه عدد آنها) نمی‌گذارد).

بر اساس آنچه گفته شد به نظر می‌رسد که باید روایات ابن عنبسه را که با یک واسطه از امام رضا (ع) نقل می‌کند، دارای ارسال بدانیم، اما مشکل اینجاست که ابن عنبسه مدعی است که تمام این روایات را با سماع یا قرائت از مشایخش اخذ کرده و مشایخش مستقیماً از امام رضا (ع) این احادیث را تحمّل کرده‌اند؛ چه وی در تمام این اسنادی که در آنها با یک واسطه از امام رضا (ع) روایت کرده است بین خودش و شیخش و بین شیخش و امام رضا (ع)، تعبیر «حدثنا» یا «حدثنی» را آورده است (نگر: ارجاع‌های جدول یک). برای نمونه، در اسناد وی آمده است: «حدثنا دارم و نعیم

بن صالح الطبری قالا حدثنا علی بن موسی الرضا (ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۷۹). «حدثنی دارم بن قبیصه بن بهشل الصنعانی، حدثنی علی بن موسی الرضی» (ابن شاهین، ۱۴۲۴ق، ص ۱۵۶).

بر این اساس، بی‌تردید ابن عنبسه (د. حدود ۳۳۰-۳۶۵ق) مدعی بوده که دست‌کم شش شیخ که مستقیماً امام رضا (ع) (د. ۲۰۳ق) را درک کرده‌اند و از ایشان حدیث شنیده‌اند برای او حدیث نقل کرده‌اند. در این مورد هم اشکال به خصوص متوجه ابن عنبسه است و نمی‌توان اشکال را در مشایخ او یا راویان از او دانست؛ زیرا مشایخش شش تن هستند و نمی‌توان گفت که همگی آن‌ها در چنین ادعای غریبی با هم تبانی کرده‌اند یا به صورت اتفاقی اکثر مشایخ ابن عنبسه علاقه به ایجاد قرب اسناد دروغین داشته‌اند و همگی ابن عنبسه را برای ادعای حدیث برگزیده‌اند. همچنین به دلیل اینکه این نوع اسناد ابن عنبسه از امام رضا (ع) هم در نقل‌های ابن بابویه از ابن زریق و هم در نقل ابن شاهین حضور دارد، نمی‌توان اتهام را متوجه هریک از ابن زریق، ابن بابویه، و یا ابن شاهین دانست و اتهام مربوط به این قرب اسناد بسیار غریب ظاهراً تنها متوجه ابن عنبسه است.

۲. ۴. ساختگی بودن راوی

گذشت که اکثر مشایخ ابن عنبسه در غیر طریق او یافت نمی‌شوند، و شاید ابن عنبسه این نام‌ها را ساخته است. در این بخش، به جای بحث از مشایخ مستقیم او، از میان افرادی که در اسناد او (در غیر طبقه مشایخ مستقیمش) حضور دارد به فاطمه بنت علی بن موسی (ع) توجه می‌شود.

ابن زریق از ابن عنبسه، حدیث «لا یحل لمسلم أن یروع مسلماً» را با این سند نقل کرده است: «قال حدثنی أبو الحسن بکر بن أحمد بن محمد بن إبراهیم بن زیاد بن موسی بن مالک الأشجّ العصری قال حدثنا فاطمة بنت علی بن موسی ع قالت سمعت أبا علیاً یحدّث عن أیبه عن جعفر بن محمد عن أیبه وعمّه زید عن أیبهما علی بن الحسین عن أیبه وعمّه عن علی بن اُبی طالب ع قال» (ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۸۴).

همچنین ابوالحسن محمد بن جعفر حلوانی از ابن عنبسه از بکر بن احمد حدیث «أنسیتم قول رسول الله صلی الله علیه وسلم یوم غدیر خم...» را با این سند «علی بن محمد بن جعفر الأهوازی مولی الرشید حدثنا بکر بن أحمد البصری حدثنا فاطمة بنت علی بن موسی الرضی حدثنی فاطمة وزینب وأم کلثوم بنات موسی بن جعفر قلن حدثنا فاطمة بنت جعفر بن محمد الصادق قالت حدثنی فاطمة بنت محمد بن علی حدثنی فاطمة بنت علی بن الحسین حدثنی فاطمة و سکینه ابنتا الحسین بن علی عن أم کلثوم بنت فاطمة بنت رسول الله» از حضرت فاطمه (س) نقل کرده است (المدینی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۰۱).

ابن رازی از ابن بابویه از احمد بن زیاد بن جعفر همدانی از ابوالقاسم جعفر بن محمد علوی عریضی از ابوعبدالله احمد بن محمد بن خلیل از ابن عنبسه از «بکیر به أحنف» (که ممکن است تصحیف بکر بن احمد باشد) به سند «حدثنا فاطمة بنت علی بن موسی الرضاع قالت حدثتني فاطمة وزینب وأم کلثوم بنات موسی بن جعفر قلن حدثتنا فاطمة بنت جعفر بن محمد ع قالت حدثتني فاطمة بنت محمد بن علی ع قالت حدثتني فاطمة بنت علی بن الحسين ع قالت حدثتني فاطمة وسکينة ابنتا الحسين بن علی ع عن أم کلثوم بنت علی ع عن فاطمة بنت رسول الله ص» حدیث «لما أسرى بی إلى السماء...» را از پیامبر (ص) نقل کرده است (ابن الرازی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۷۴). پیشتر اشکال عطف‌های غریب در این سه سند مطرح شد.

مشکل این سه نقل آن است که از دختری از امام رضا (ع) به نام فاطمه نقل شده است؛ این در حالی است که شیخ مفید تصریح کرده که هیچ فرزندی برای امام رضا (ع) جز امام جواد (ع) نمی‌شناسد: «ومضى الرضا علی بن موسی ع ولم یترک ولداً نعلمه إلا ابنه الإمام بعده أبا جعفر محمد بن علی ع وکانت سنه یوم وفاء أبیه سبع سنین وأشهرأ» (المفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۷۱). امین الإسلام طبرسی نیز می‌نویسد: «وكان للرضاع من الولد ابنه أبو جعفر محمد بن علی الجواد لا غیر» (الطبرسی، ۱۳۹۰ق، ص ۳۴۴). ابونصر بخاری (زنده در ۳۴۱ق) درباره امام رضا (ع) گفته است: «ولم یلد ذکراً ولا أنثی إلا ابنه محمد بن علی علیهما السلام، وله عقب» (البخاری، ۱۴۳۲ق، ص ۷۲).

در مقابل، در برخی از مصادر در کنار امام جواد (ع) فرزندان دیگری نیز برای امام رضا (ع) ذکر شده؛ برای نمونه، ابن حزم (د. ۴۶۵ق) گفته است: «ولد علی بن موسی: محمد، والحسین» (ابن حزم، ۱۴۰۳ق، ص ۶۲). همچنین ابن نجار (د. ۶۴۳ق) گفته است: «وذكر غیر ابن جریر أن الرضا خلف من الولد محمداً والحسن وجعفرأ وإبراهیم والحسین وعائشة» (ابن النجار، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۱۴۲). ابن طلحه نصیبی (د. ۶۵۲ق) نیز همین پنج نفر را فرزندان امام رضا (ع) دانسته است: «وأما أولاده فکانوا ستة، خمسة ذکور وبتنا واحدة، وأسماء أولاده محمد القانع والحسن وجعفر وإبراهیم والحسین وعائشة» (ابن طلحه، ۱۴۱۹ق، ص ۳۰۲).

البته نمی‌توان به آسانی چنین نقل‌هایی را پذیرفت؛ چه با نقل‌های ابونصر بخاری، شیخ مفید، و طبرسی معارض است و نیز اثری از این اولاد در گزارش‌های تاریخی مربوط به امام رضا (ع) و احادیث و گفتگوها نمی‌یابیم. همچنین می‌دانیم که امام رضا (ع) تا سن بالایی دارای فرزند نشده بودند و واقعه اتهام عقیم‌بودن را به آن حضرت می‌زدند تا آنکه امام جواد (ع) به دنیا آمدند. در چنین فضایی توقع می‌رود که اگر پس از امام جواد (ع) هم اولاد دیگری به دنیا بیایند بحث‌هایی مربوط به آنان در گزارش‌ها باقی بماند.

افزون بر این، در روایات متعددی تصریح شده که امام رضا (ع) یک فرزند داشته‌اند. در روایتی در *دلائل حمیری* از امام رضا (ع) نقل شده است: «أما إنه لا یولد لی إلا واحداً ولكن الله ینشی منه ذریةً کثیرةً» (الشلمغانی، ۱۴۴۴ق، ص ۳۶۳؛ الإربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۳۰۲؛ سنج با: الطوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۲۴). همچنین نقل شده از کلثم بن عمران (؟) که گفت: «قلت للرضا علیه السلام: أنت تحب الصبیان فادع الله أن یرزقک ولداً. فقال: إنما أرزق ولداً واحداً وهو یرثنی» (الشلمغانی، ۱۴۴۴ق، ص ۳۶۰). از احمد بن محمد بن عیسی (الکشی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۹۶) یا محمد بن عیسی بن عبد الله اشعری (الشلمغانی، ۱۴۴۴ق، ص ۳۷۳؛ الکلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۳۲۰) نقل شده که امام جواد (ع) فرمود: «ذهبت الشبهة/ ارتفع الشک ما لأبی ولد غیری». به هر حال حتی اگر قول متأخر وجود پنج فرزند برای امام رضا (ع) را هم بپذیریم و آن را بر تصریح‌های ابونصر بخاری و شیخ مفید و روایات نقل‌شده از امام رضا (ع) و امام جواد (ع) ترجیح بدهیم، باز هم در این قول، سخنی از دختری برای امام رضا (ع) به نام فاطمه نیست.

افزون بر این، در هیچ مصدر دیگری نامی از «فاطمه بنت علی بن موسی» یافت نشد، جز این حدیث که از ابوبکر احمد بن محمد بن موسی ملحمی عافر نقل شده که او با یک واسطه آن را از «فاطمه بنت علی بن موسی» نقل کرده است: «... أبو بکر أحمد بن محمد بن موسی الملحمی المعافر إملاء ثنا محمد بن إبراهیم حدثنا فاطمة بنت علی بن موسی الرضا عن أبيها عن موسی بن جعفر عن جعفر بن محمد عن محمد بن علی عن علی بن الحسین عن الحسین بن علی رضی الله عنهم قال کتب معاویة إلی علی بن أبی طالب رضی الله عنهما: لم سُمیتَ أيامَ البیض البیض. فکتب إلیه: أمتعت أنت أم متعلم؟ فکتب إلیه: [...] بحقک أبا الحسن فإنی سمعت رسول الله ص یقول أنا مدینة العلم وعلی بابها و [...] التعلّم. فکتب إلیه سمعت رسول الله ص یقول: لما عصی آدم...» (یوسف أوزبیک، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۶۸۷).

واسطه میان ابوبکر ملحمی (د. ۳۶۴ق) و فاطمه بنت علی بن موسی (ع) شناخته نشد؛ لذا در خصوص او نمی‌تواند توضیحی دهد. خود ملحمی را هم ابن مردویه و ابونعیم تضعیف کرده‌اند (ابن حجر، ۲۰۰۲م، ج ۱، ص ۶۴۹: «ذهب الحدیث ضعیف جداً»؛ أبو نعیم، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۹۵: «سمع الكثير من عبدان وأبی خلیفه وطبقتهما، وأفسده لشره وحرصه»).

در متن هم ادعا شده که میان معاویه و امیرالمؤمنین (ع) چهار نامه رد و بدل شده جهت دریافتن وجه تسمیه ایام البیض! روشن است که پذیرش چنین نامه‌نگاری‌هایی میان این دو چه قدر دشوار است؛ به هر حال، این سند نمی‌تواند شاهد قابل اعتنایی برای اثبات دختری برای امام رضا (ع) به نام فاطمه به شمار آید.

۳. اشکال‌های متنی

در این بخش به روایات ابن عنبسه و تخریح آن‌ها در مصادر فریقین و یافتن شواهدی به نفع یا علیه انتساب آن‌ها به راویان ادعا شده توجه می‌شود و ابتدا شواهدی که ممکن است مؤید انتساب برخی از روایات ابن عنبسه به امام رضا (ع) باشد، بررسی می‌شود. سپس به ردیابی متون ابن عنبسه در مصادر فریقین توجه می‌شود.

۳.۱. مشابهت با روایات منسوب به امام رضا (ع)

از مجموع ۴۳ روایت ابن عنبسه از امام رضا (ع) (نگر: جدول یک)، تنها ۳ روایت یافت شد که در مصدر دیگری نیز به امام رضا (ع) از غیر طریق ابن عنبسه نسبت داده شده است:

روایات دیگران از امام رضا (ع)	روایات ابن عنبسه از امام رضا (ع)	
<p>وباسناده قال قال رسول الله ص <u>اصطنع الخیر الی من هو أهله والی من لیس بأهله فإن لم تصب أهله فانت من أهله</u> (صحیفة الرضا، ص ۵۲).</p> <p>وروی <u>اصطنع المعروف الی أهله والی غیر أهله فإن لم یکن من أهله فکن أنت من أهله</u> (فقه الرضا، ص ۳۷۴).</p>	<p>... حدثني دارم بن قبيصة بن نهشل بن مجمع النهشلي الصنعاني بسر من رأى قال حدثنا علي بن موسى الرضا عن أبيه عن جده عن محمد بن علي عن أبيه عن جده عن علي ع عن النبي ص قال: <u>اصطنع المعروف إلى أهله وإلى غير أهله فإن كان أهله فهو أهله وإن لم يكن أهله فانت أهله</u> (ابن بابويه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۷۳).</p>	۱
<p>وروي أنه قال <u>إنما سموا الأبرار لأنهم بروا الآباء والأبناء</u> (فقه الرضا، ص ۳۳۶).</p>	<p>حدثنا القاسم بن محمد بن العباس بن موسى بن جعفر العلوي ودارم بن قبيصة النهشلي قالا حدثنا علي بن موسى الرضا قال سمعت أبي يحدث عن أبيه عن جده محمد بن علي عن علي بن الحسين عن أبيه ومحمد بن الحنفية عن علي بن أبي طالب ع أن رسول الله ص قال: <u>إنما سموا الأبرار لأنهم بروا الآباء والأبناء والإخوان</u> (ابن بابويه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۸۰).</p>	۲
<p>وباسناده قال رسول الله ص <u>من استذل مؤمناً أو حقره لفقره</u> وقلة ذات يده شهرة الله يوم القيامة ثم يفضحه (مسند الرضا، ص ۶۳).</p> <p>وباسناده قال قال رسول الله ص <u>من استذل مؤمناً أو مؤمنة أو حقره لفقره وقلة ذات يده شهرة الله تعالى يوم القيامة</u> ثم يفضحه (صحیفة الرضا، ص ۶۳).</p>	<p>وبهذا الإسناد قال قال رسول الله ص من <u>أذل مؤمناً أو حقره لفقره وقلة ذات يده شهرة الله على جسر جهنم يوم القيامة</u> (ابن بابويه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۸۳).</p>	۳

جدول چهارم: مقایسه روایات ابن عنبسه از امام رضا (ع) با روایات دیگران از امام رضا (ع) در این میان، به نظر می‌رسد انتساب هیچ‌یک از این سه روایتی که مستقل از ابن عنبسه به امام رضا (ع) منسوب شده، قابل دفاع نباشد؛ زیرا می‌دانیم که فقه الرضا متنی است مرتبط با التکلیف شلمغانی (نگر: اکبری، ۱۴۰۲ش، ص ۱۳۵) و نمی‌تواند ارتباطی با امام رضا (ع) داشته باشد.

همچنین صحیفه الرضا متنی است منسوب به امام رضا (ع) که در آن روایات عامی نامعتبر نیز یافت می‌شود (نمونه نگر: الخرسان، ۱۴۳۰ق، ص ۲۲) و به این صورت یک پارچه نمی‌تواند از امام رضا (ع) باشد. راوی نسخه مشهور این صحیفه عبد الله بن احمد بن عامر طائی است که آن را از پدرش از امام رضا (ع) روایت می‌کند (صحیفه الرضا، ص ۳۹) و مدعی است که پدرش در سال ۱۵۷ق به دنیا آمده و امام رضا (ع) (د. ۲۰۳ق) را در سال ۱۹۴ق ملاقات کرده و مؤذن امام هادی (ع) (د. ۲۵۴ق) و امام حسن عسکری (ع) (د. ۲۶۰ق) بوده است (النجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۰۰). همچنین وی مدعی است که پدرش این صحیفه را برای او در سال ۲۶۰ق در ۱۰۳ سالگی نقل کرده است. در برخی از نقل‌ها گفته شده که عبد الله بن احمد مدعی بوده که پدرش صحیفه الرضا را در سامرا در روز درگذشت امام حسن عسکری (ع) برای او تحدیث کرده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۲۶، ص ۳۵۴). بر این اساس بین تحمل این کتاب توسط پدرش و بین ادای آن ۶۶ سال فاصله است.

غرابت این ادعاهای احمد برای تردید در انتساب این صحیفه به امام رضا (ع) کافی به نظر می‌رسد؛ زیرا اینکه یکی از اصحاب امام رضا (ع) که از معمرین بوده باشد و صحیفه مهمی را مستقیم از حضرت تلقی کرده باشد و آن صحیفه را برای کسی جز فرزندش نقل نکرده باشد و آن هم در ۱۰۳ سالگی به این نتیجه رسیده باشد که آن را نقل کند و با وجود آنکه از اصحاب امام رضا (ع) و مؤذن دو امام بعدی بوده، نامش در گزارش دیگری یافت نشود و دیگران از حضور او نزد این امامان خبر نداده باشند، نشان دهنده این است که با یک ادعای بی‌اساس مواجه هستیم که برای انتساب منحصر به فرد به امام مطرح شده و عبد الله خواسته امکان اعتبارسنجی این احادیث و توقع نقل آن توسط دیگران از پدرش را منتفی کند و مشکل طبقات را نیز با این بیان این سال‌های غریب حل کند.

می‌دانیم که عبد الله بن احمد طائی متوفای ۳۲۴ق است (الخطیب البغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۱، ص ۲۸). از این روی، برای نقل تک‌واسطه‌ای از امام رضا (ع) مدعی شده که ۶۴ سال قبل از وفاتش در سن ۱۰۳ سالگی پدرش از پدرش این صحیفه را اخذ کرده است. حال باید فرض کرد که وی در چه سالی به دنیا آمده است؟ اگر فرض کنیم که وی حدود ۸۰ سال عمرش کرده باشد باید در حدود ۸۰ سالگی پدرش به دنیا آمده باشد. این مورد هم غرابت دارد. عبد الله با چنین ادعایی توانسته چند طبقه را دور بزند. پیش از این گذشت که کلینی (د. ۳۲۹ق) -که حدود ۶ سال پس از عبد الله طائی از دنیا رفت- اغلب با سه تا پنج واسطه از امام رضا (ع) روایت می‌کند.

درباره عبد الله بن احمد در منابع متقدم تضعیف‌هایی در دست هست. از ابومحمد حسن بن علی بصری نقل شده است: «عبد اللّه بن أحمد بن عامر بن سلیمان بن صالح أبو القاسم الطائی کان أمیاً، لم یکن بالمرضی» (الخطیب البغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۱، ص ۲۸) این جوزی درباره عبد الله بن احمد می‌گوید: «یروی عن أهل البيت نسخة باطله» (ابن الجوزی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۱۵). ذهبی نیز در تاریخ الإسلام می‌گوید که گمان می‌کند عبد الله بن احمد این نسخه مروی از امام رضا (ع) را وضع کرده است، اما در میزان الاعتدال می‌گوید که عبد الله بن احمد از پدرش از امام رضا (ع) از پدرانشان (ع) آن نسخه موضوع و باطل را روایت می‌کند که وضع یا خود عبد الله بن احمد است یا پدرش احمد بن عامر طائی (تاریخ الإسلام، ج ۲۴، ص ۱۴۹؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۵۹).

درباره مسند الرضا نیز باید توجه کرد که این کتاب نیز وضعیت بهتری از صحیفه الرضا ندارد. این کتاب را داود بن سلیمان غازی نقل می‌کند. ذهبی درباره او می‌گوید: «هو شیخ کذاب له نسخة موضوعه علی الرضا رواها علی بن محمد بن مهرویه القزوینی الصدوق عنه» (الذهبی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۲). گفتنی است بسیاری از احادیث مسند الرضا و صحیفه الرضا با هم مشترک است و احتمالاً نویسنده یکی از این دو کتاب از نویسنده کتاب دیگر احادیثی را انتحال کرده است.

بر اساس آنچه گذشت روشن شد که روایات ظاهراً مستقل از ابن عنبسه که با سه حدیث از احادیث او از امام رضا (ع) مشابهت دارد، نمی‌تواند شاهی برای اعتبار انتساب برخی از روایات ابن عنبسه به امام رضا (ع) باشد. همچنین در این میان قابل توجه است که بر خلاف صحیفه الرضا و مسند الرضا شاهی یافت نشد که فقه الرضا در دوران متقدمی به امام رضا (ع) نسبت داده شده باشد؛ لذا تنها دو روایت در میان ۴۳ روایت ابن عنبسه از امام رضا (ع) یافت می‌شود که در دوران متقدم به امام رضا (ع) -هرچند با انتسابی نادرست- نسبت داده شده است. بر این اساس، نمی‌توان این فرض را پذیرفت که ابن عنبسه از مجموعه‌های حدیثی منسوب به امام رضا (ع) بهره برده و صرفاً اسناد جدیدی بر سر آنها آورده است.

نکته دیگری که باید در خصوص این سه روایت باید مدنظر داشت آن است که این مشابهت لزوماً شاهی بر انتحال ابن عنبسه از این کتب نیست؛ چه پیش از این کتب نیز این احادیث شناخته شده بوده و ابن عنبسه می‌توانسته این سه روایت را از تحریرهایی از این احادیث که منسوب به غیر امام رضا (ع) بوده، اخذ کرده باشد؛ چه حدیث «اصنع المعروف إلی من هو أهله ومن لیس هو أهله فإن لم یکن هو أهله فأنت أهله» از امام صادق (ع) نقل شده است (الأهوازی، ۱۳۹۹ق، ص ۳۲؛ مشابه: القضاعی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۴۳۶؛ و الشافعی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۴، از سعید بن سلمه کلبی از امام صادق (ع)؛ الکلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۴، ص ۲۷، از جمیل بن دراج از امام صادق (ع)؛

الکلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۴، ص ۲۷، ح ۹، از معاویة بن عمار از امام صادق (ع). همچنین عبارت «إنما سما الأبرار لأنهم بروا الآباء والأبناء» از سفیان نقل شده است (أبو نعیم، ۱۳۹۴ق، ج ۷، ص ۸۱؛ مشابه: أبو نعیم، ۱۳۹۴ق، ج ۱۰، ص ۳۲، از ابن عمر؛ الطبرانی، [بی تا]، ج ۱۳، ص ۱۴۰، از ابن عمر از پیامبر (ص)). حدیث «من استدل مؤمناً...» نیز از امام صادق (ع) نقل شده است (الکلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۳۵۳).

۲. ۳. مشابهت با متون منسوب به غیر امام رضا (ع)

به جز سه روایت بخش قبل، روایتی از ابن عنبسه یافت نشد که از طریقی غیر از او به امام رضا (ع) نسبت داده شده باشد. در این بخش در ابتدا به نمونه‌هایی از روایات از ابن عنبسه توجه می‌شود که متن آن در مصادر عامه از صحابه و تابعین نقل شده است. سپس به روایاتی توجه می‌شود که در مصادر شیعی یا به طرق شیعی از امامان (ع) نقل شده است.

الف) مشابهت با روایات عامه

احادیث عامه از صحابه و تابعین	احادیث ابن عنبسه از امام رضا (ع)
[۱]... عن عون بن أبي جحيفة، عن أبيه قال: رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم في قبة حمراء من آدم، ورأيت بلالا أخذ وضوء رسول الله صلى الله عليه وسلم، ورأيت الناس يبتدرون ذاك الوضوء، فمن أصاب منه شيئاً تمسح به، ومن لم يصب منه شيئاً أخذ من بلال يد صاحبه (البخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۸۴؛ مشابه: البزار، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۱۵۲؛ و أحمد بن حنبل، ۱۴۳۱ق، ج ۸، ص ۴۲۷۲ و... از عون بن ابی جحیفه از ابو جحیفه).	[۱] وبهذا الإسناد عن علي بن موسى الرضا قال سمعت أبي يحدث عن أبيه عن جده ع عن جابر بن عبد الله قال: كان رسول الله ص في قبة آدم ورأيت بلال الحبشي وقد خرج من عنده ومعه فضل وضوء رسول الله فابتدره الناس فمن أصاب منه شيئاً يمسح به وجهه ومن لم يصب منه شيئاً أخذ من يدي صاحبه فمسح به وجهه [ب]. وكذلك فعل بفضل وضوء أمير المؤمنين ع (ابن بابويه، ۱۴۳۷ق، ج ۲، ص ۱۵۲).
... عن مكحول قال: بلغني أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: ما أخلص عبد أربعين صباحاً إلا ظهرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه (ابن أبي شيبة، ۱۴۲۷ق، ج ۱۹، ص ۷۷؛ مشابه: القضاة، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۲۸۵، از ابن عباس از پیامبر (ص)؛	وبإسناده قال قال رسول الله ص ما أخلص عبد الله عز وجل أربعين صباحاً إلا جرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه (ابن بابويه، ۱۴۳۷ق، ج ۶۷۷).

<p>أبو نعیم، ۳۹۴ق، ج ۵، ص ۱۸۹، از محکول از ابویوب انصاری از پیامبر).</p>	
<p>[ا.] ... عن البراء بن عازب قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: <u>حسنوا القرآن بأصواتكم، فإن الصوت الحسن يزيد القرآن حسناً</u> (الدارمی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۱۹۴؛ ابن الأعرابی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۷۸۰).</p> <p>[ب.] ... عن الزهري في قوله تعالى يزيد في الخلق ما يشاء قال: الصوت الحسن (المكي، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۲۶).</p>	<p>وباسناده قال قال رسول الله ص [ا.] <u>حسنوا القرآن بأصواتكم فإن الصوت الحسن يزيد القرآن حسناً</u> [ب.] وقرأ: «يزيد في الخلق ما يشاء» (ابن بابويه، ۱۴۳۷ق، ج ۲، ص ۱۵۳).</p>
<p>... عن أنس قال: قال رسول اللّٰه صلى اللّٰه عليه وسلم: <u>إن اللّٰه تعالى يوحى إلى الحفظة لا تكتبوا على صوام عبادى بعد العصر</u> سيئته (الخطيب البغدادي، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۴۱).</p>	<p>وبهذا الإسناد قال قال رسول الله ص يوحى الله عز وجل إلى <u>الحفظة الكرام البررة لا تكتبوا على عبدى وأمتى ضجرهم وعثرتهم بعد العصر</u> (ابن بابويه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۸۹).</p>
<p>... عن أبي هريرة، عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: <u>الكمأة من المن، وماؤها شفاء للعين، والعجوة من الجنة، وهي شفاء من السم</u> (البيزار، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۱۲؛ مشابه: أحمد بن حنبل، ۱۴۳۱ق، ج ۵، ص ۲۳۹۸).</p> <p>... عن سعيد بن زيد بن عمرو بن نفيل، قال: قال رسول الله ص: <u>الكمأة من المن الذى أنزل الله تبارك وتعالى على بنى إسرائيل، وماؤها شفاء للعين</u> (مسلم بن الحجاج، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۶۲۰).</p>	<p>۷۰۶ وبهذا الإسناد قال قال رسول الله ص <u>الكمأة من المن الذى أنزله الله على بنى إسرائيل وهي شفاء للعين والعجوة التى فى البرنى من الجنة وهي شفاء من السم</u> (ابن بابويه، ۱۴۷۳ق، ح ۷۰۶).</p>
<p>این داستان به این تحریر خاص در جایى یافت نشد، اما مشابهش از مجاهد از ابن عباس و از ابوائل از ابن مسعود (الخطیب</p>	<p>وبهذا الإسناد عن علي بن ابي طالب قال: كنت جالساً عند الكعبة وإذا شيخ محدودب قد سقط حاجباه على عينيه من شدة الكبر وفي يده عكازة وعلى رأسه برنس أحمر وعليه</p>

مدرعته من الشعر فدنا إلى النبي ص وهو مسند ظهره إلى الكعبة فقال يا رسول الله ادع لي بالمغفرة فقال النبي ص خاب سعيك يا شيخ وضلّ عملك فلما وكى الشيخ قال يا أبا الحسن أتعرفه؟ قلت اللهم لا قال ذلك اللعين إبليس قال عليّ ع فعدوت خلفه حتى لحقته وصرعته إلى الأرض وجلست على صدره ووضعت يدي في حلقه لأخنقه فقال لي لا تفعل يا أبا الحسن فإني من المنظرين إلى يوم الوقت المعلوم ووالله يا عليّ إني لأحبك جداً وما أبغضك أحد إلا شركت أباه في أمه فصار ولد زنا فضحكت وخلصت سبيله (ابن بابويه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۹۲)	البغدادي، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۶۶) و از ابوهارون عبدی از جابر بن عبد الله (ابن بابويه، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۴۲؛ الحسكاني، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۴۸) آمده، اما عبارت غریب «یا علیّ إني لأحبك جداً» در هیچ‌کدام از آنها نیامده است.
--	---

جدول پنج: مقایسه روایات ابن عنبسه با روایات عامی

در مورد اول جالب است که تنها بخش «ا» در روایات عامه یافت می‌شود و بخش «ب» در جایی یافت نمی‌شود. ظاهراً در اینجا ابن عنبسه یا مصدر او روایتی را که در اصل در عامه از ابوجحیفه نقل می‌شود، از طریق سندی خاندانی به جابر بن عبد الله نسبت داده است. همچنین برای افزودن فضای شیعی به آن، بخش «ب» را نیز در کنار آن آورده است؛ در حالی که بخش «ب» با توجه به مظلومیت امام علی (ع) پس از پیامبر (ص) و ستم‌هایی که به ایشان شد و تردیدهایی که درباره امامت و خلافت ایشان شد، چندان پذیرفتنی به نظر نمی‌رسد.

در مورد سوم دیده می‌شود که روایت ابن عنبسه می‌تواند حاصل ترکیب دو نقل عامی باشد که نقل دوم در عامه منسوب به پیامبر (ص) نشده است. در مورد چهارم روایت ابن عنبسه که به نوشته نشدن لغزش‌های بندگان پس از عصر اشاره می‌کند، معنای روشنی ندارد و معلوم نیست که عصر در نوشتن لغزش‌ها چه نقشی دارد، اما نقل عامی مشابه که این حکم را مربوط به روزه‌داران می‌داند، معنای روانی دارد که ظاهراً اشاره دارد به اینکه وقتی اکثر روز گذشته و روزه‌دار از گرسنگی رو به ضعف رفته، خداوند برای او تخفیف قرار می‌دهد.

این موارد نشان می‌دهد ابن عنبسه یا مصدرش در هنگام استفاده از مصادر عامه گاه دچار بدفهمی یا اشتباه می‌شدند و گاه متون عامه را با هم ترکیب می‌کردند یا بر آن می‌افزودند.

ب) مشابهات با روایات شیعی

احادیث ابن عنبسه از امام رضا (ع)	احادیث شیعی
وبهذا الإسناد قال قال رسول الله ص اغسلوا صبيانكم من الغمر فإن الشيطان يشم	اغسلوا صبيانكم من الغمر فإن الشياطين تشم الغمر
فیفزع الصبی فی / من رقاده ویثأذی به الکتبان (ابن بابویه،	

<p>۱۳۸۵ش، ص ۵۵۷، از حسن بن راشد از ابوبصیر و محمد بن مسلم از امام صادق (ع) از پدرانشان؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۳۶۲، از حسن بن راشد از ابوبصیر از امام صادق (ع) از پدرانشان؛ الحرائی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۲۱، از کتاب آداب امیر المؤمنین).</p>	<p>الغمر فیفزع الصبی فی رقاده ویثأذی بها الکاتبان (ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۷۶).</p>
<p>... عن سلمان الفارسی قال: قال رسول الله ص لعلی ع یا علی <u>تختم بالیمین تکن من المقربین</u> قال یا رسول الله و ما المقربون قال جبرئیل و میکائیل قال بما أتمتم یا رسول الله قال <u>بالعقیق الأحمر فإنه أقر لله عز و جل بالوحدانیة ولی بالنبوة و لك یا علی بالوصیة و لولدك بالإمامة و لمحییك بالجنة و لشیعة و ولدك بالفردوس</u>. (ابن بابویه، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۵۸؛ مشابه: ابن المغازلی، ۱۴۲۴ق، ص ۲۴۲، از اعمش از امام صادق (ع) از پدرانشان).</p>	<p>و عن علی بن محمد قال حدثنا أبو القاسم محمد بن العباس بن موسی بن جعفر العلوی و دارم بن قبیصة النهشلی قال حدثنا علی بن موسی الرضاع قال سمعت أبا یحدر عن أبیه عن جده محمد بن علی عن علی بن الحسین عن أبیه و محمد بن الحنفیة عن علی بن أبی طالب ع قال سمعت رسول الله ص یقول <u>تختموا بالعقیق فإنه أول جبل أقر لله تعالی بالوحدانیة ولی بالنبوة و لك یا علی بالوصیة و لشیعتك بالجنة</u> (ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۸۱).</p>
<p>... عن أبی الزبیر: عن جابر بن عبد الله: أن النبىَّ صَلَّى اللهُ عليه وآله و سلم كان بعرفات وعلیّ تلقاه فقال له النبىَّ... فقال صَلَّى اللهُ عليه وآله و سلم: إنّه قیل لی لیلة أسرى بی: من خلّفت علی أمّتك؟ فقلت: خیر أهل الأرض علی بن أبی طالب یا علی. قال: لئیک [یا رسول الله] قال: خلّقت أنا و أنت من شجرة أنا أصلها و أنت فرعها و الحسن و شیعتنا و رقها فمن تعلّق بغصن من أغصانها أدخله الله الجنة (ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۹۷).</p> <p>... عن أبی الزبیر: عن جابر بن عبد الله: أن النبىَّ صَلَّى اللهُ عليه وآله و سلم كان بعرفات وعلیّ تلقاه فقال له النبىَّ... فقال صَلَّى اللهُ عليه وآله و سلم: إنّه قیل لی لیلة أسرى بی: من خلّفت علی أمّتك؟ فقلت: خیر أهل الأرض علی بن أبی طالب یا علی. قال: لئیک [یا رسول الله] قال: خلّقت أنا و أنت من شجرة أنا أصلها و أنت فرعها و الحسن و شیعتنا و رقها فمن تعلّق بغصن من أغصانها أدخله الله الجنة... (الکوفی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۲۴۲؛ مشابه: الحسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۰۳، از ابوامامه باهلی از پیامبر ص).</p>	<p>۶۹۷ و بهذا الإسناد عن علی بن أبی طالب ع قال قال رسول الله ص یا علی خلق الناس من شجر شتّى و خلقت أنا و أنت من شجرة واحدة أنا أصلها و أنت فرعها و الحسن و الحسنین أغصانها و شیعتنا و رقها فمن تعلّق بغصن من أغصانها أدخله الله الجنة (ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۹۷).</p>

جدول شش: مقایسه روایات ابن عنبسه با روایات شیعی

۳.۳. متون منحصراً به فرد

در روایات ابن عنبسه، متونی یافت می شود که در مصادر درد سترس ما از غیر طریق او یافت نمی شود. در این بخش به این روایات توجه می شود.

۱. وبهذا الإسناد قال: كان رسول الله ص إذا دخل شهر شعبان يصومه في أوله ثلاثاً وفي وسطه ثلاثاً وفي آخره ثلاثاً وإذا دخل شهر رمضان يفطر قبله بيومين ثم يصوم (ابن بابويه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۸۷).

۲. وبهذا الإسناد قال قال رسول الله ص رجب شهر الله الأصم يصب الله فيه الرحمة على عباده و شهر شعبان تنشعب فيه الخيرات وفي أول ليلة من شهر رمضان تغل المرده من الشياطين ويغفر في كل ليلة لسبعين ألفاً فإذا كان في ليلة القدر غفر الله بمثل ما غفر في رجب وشعبان و شهر رمضان إلى ذلك اليوم إلا رجلاً بينه وبين أخيه شحناء فيقول الله عز وجل انظروا هؤلاء حتى يسطلحوا (ابن بابويه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۸۸).

۳. ... علي بن محمد بن عنبسه... عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال قال رسول الله ص أنا خزائن العلم وعلى مفتاحها ومن أراد الخزائن فليأت المفتاح (ابن بابويه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۹۸).

۴. ... علي بن محمد بن عنبسه... عن علي بن أبي طالب ع قال: كان رسول الله ص إذا رأى الهلال قال: [أ.] أيها الخلق المطيع الدائب السريع المتصرف في ملكوت الجبروت بالتقدير [ب.] ربى وربك الله اللهم أهله علينا بالأمن والإيمان والسلامة والإسلام والإحسان [ج.] وكما بلغنا أوله فبلغنا آخره واجعله شهراً مباركاً تمحو فيه السيئات وتثبت لنا فيه الحسنات وترفع لنا فيه الدرجات يا عظيم الخيرات (ابن بابويه، ۱۴۳۷ق، ح ۶۸۶).

این احادیث با این تحریرهای خاص در مصدر دیگری یافت نشد. حدیث ۳ این مشکل را دارد که این حدیث در اصل به عبارت «أنا مدينة العلم وعلى بابها فمن أراد (العلم/ المدينة/ البيت/ الدار) (فليأت/ فليأتها/ فليأتها) (الباب/ بابه/ من بابها/ من قبل بابها)» کاملاً شناخته شده است، اما با تعبیر «أنا خزائن العلم...» در طریق دیگری یافت نمی شود. نزدیک ترین نقل به نقل ابن عنبسه، این روایت است: «أنا دار الحكمة وعلى مفتاحها ولن يوصل إلى الدار إلا بالمفتاح» (ابن بابويه، ۱۳۷۶ش، ص ۳۵۳). در خصوص حدیث ۴ نیز بخش «ا» و بخش «ب» به صورت مستقل از هم در مصادری از عده ای نقل شده، اما در کنار هم یافت نمی شود؛ چنانکه بخش «ج» هم حتی به صورت مستقل در مصدر دیگری یافت نمی شود.

نتیجه

روایات علی بن محمد بن جعفر بن عنبسه با مشکل های متعددی مواجه است. اغلب مشایخ او از غیر طریق او شناخته نمی شوند و این مشکل این احتمال را به نظر می رساند که برخی از مشایخ وی، صرفاً نام هایی باشند که ابن عنبسه برای انتساب روایاتش به خاندان پیامبر (ص) انتخاب

کرده است. بر اساس تاریخ وفاتِ راویانِ ابنِ عنبسه به نظر می‌رسد وی حدوداً میان سال‌های ۳۳۰ تا ۳۶۵ ق وفات کرده باشد. با این حال، وی به طبقه خود پایبند نیست و از اسناد عالی‌غریبی استفاده می‌کند؛ از جمله وی با دو واسطه از انس بن مالک (د. ۹۰ ق یا پس از آن) روایت می‌کند. البته در خصوص روایات عالی‌وی از انس، یغتم بن سالم که واسطه میان شیخ ابن عنبسه و انس است، بیش از ابن عنبسه متهم است، اما در خود روایت‌کردن ابن عنبسه با یک واسطه از یغتم هم می‌توان اشکال کرد. همچنین روایات متعدد ابن عنبسه از امام رضا (ع) با واسطه یک طبقه دارای اشکال است و افرادی چون کلینی که از جهت طبقه بر ابن عنبسه مقدم هستند، اغلب با سه تا پنج واسطه از امام رضا (ع) روایت می‌کنند. اسناد ابن عنبسه مشکل‌های دیگری نیز دارد: در این اسناد عطف‌های غریبی در بخش علوی اسناد دیده می‌شود که در اسناد دیگران دیده نمی‌شود. در این اسناد از امام رضا (ع) و امام جواد (ع)، محمد حنفیه و امام حسین (ع)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع)، امام باقر (ع) و زید بن علی، فاطمه بنت موسی و زینب بنت موسی و ام کلثوم بنت موسی، و فاطمه بنت الحسین و سکینه بنت الحسین در کنار هم استفاده می‌شود. همچنین در برخی از روایات ابن عنبسه برای متن مشابه یا متن واحد از دو سند غریب مستقل هاشمی استفاده شده است. افزون بر این، وی در برخی از روایاتش با یک واسطه از فاطمه بنت علی بن موسی روایت می‌کند که شاهدی تاریخی بر وجود او در دست نیست. از میان روایات فراوان ابن عنبسه از امام رضا (ع) تنها سه روایت یافت می‌شود که مستقل از طریق ابن عنبسه هم از امام رضا (ع) نقل شده باشد؛ با این حال انتساب همین سه روایت به امام رضا (ع) مشکل است و انتساب موازی به غیر ایشان هم دارد. برخی از روایات ابن عنبسه در مصادر عامه از صحابه و تابعین یافت می‌شود و در مصادر امامیه از آن‌ها خبری نیست. به نظر می‌رسد در برخی از این روایات ابن عنبسه نسبت به اصل عامی آن‌ها تحریف‌هایی صورت گرفته است. همچنین برخی از روایات ابن عنبسه مشابهی در روایات شیعی دارد، اما همان روایات شیعی از غیر طریق امام رضا (ع) نقل شده است. در مجموع به نظر می‌رسد نمی‌توان انتساب روایاتی را که ابن عنبسه به امام رضا (ع) یا دیگر هاشمیان نسبت می‌دهد، پذیرفت. حتی انتساب این روایات به بیشتر مشایخ ابن عنبسه هم پذیرفتی به نظر نمی‌رسد. ضعف حدیثی ابن عنبسه با توجه به الگوهای جعل سند که در اسناد او یافت می‌شود ثابت است و خود او نسبت به بسیاری از مشکل‌های احادیثش باید متهم قرار بگیرد؛ چه در بسیاری از این مشکل‌ها مصادر متفاوتی چون ابن بابویه و ابن شاهین این روایات را از ابن عنبسه نقل می‌کند و ابن عنبسه هم آن‌ها را به مشایخ متفاوتی نسبت می‌دهد. در نهایت این پژوهش نشان می‌دهد تضعیف‌های ابن غضائری

و نجاشی درباره ابن عبّسه را تأیید می‌کند، اما نشان می‌دهند که وضعیت میراث‌روایی ابن عبّسه پراشکال‌تر از آن میزانی است که این دو رجالی بدان پی برده‌اند.

منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبۀ الله (۱۴۰۴ق)، **شرح نهج البلاغۀ**، تحقیق: محمد أبو الفاضل إبراهيم، قم: کتابخانه مرعشی.
۲. ابن ابی شیبۀ، عبد الله بن محمد (۱۴۲۷ق)، **المصنّف**، جدۀ: دار القبلة.
۳. ابن الأشعث، محمد بن محمد [ابی تا]، **الجعفریات**، تهران: نینوی.
۴. ابن الأعرابی، أحمد بن محمد (۱۴۱۸ق)، **المعجم**، دمام: دار ابن الجوزی.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، **أمالی الصدوق**، تهران: کتابچی.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۶ق)، **التوحید**، قم: جامعه مدرسین.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۴ش)، **ثواب الأعمال و عقاب الأعمال**، قم: الشریف الرضی.
۸. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، **الخصال**، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۹. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ش)، **علل الشرائع**، قم: داورى.
۱۰. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۳۷ق)، **عیون أخبار الرضا**، قم: موسسه آل البيت.
۱۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، **معانی الأخبار**، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۱۲. ابن الجزری، محمد بن عبد الله (۱۴۲۶ق)، **مناقب الأسد الغالب ممزق الكتاب ومظهر العجائب لیث بن غالب أمير المؤمنین أبی الحسن علی بن أبی طالب**، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۳. ابن الجزری، محمد بن محمد (۱۳۷۹ش)، **أسنى المطالب فی مناقب سیدنا علی بن أبی طالب**، تحقیق: محمد هادی امینی، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین.
۱۴. ابن الجوزی، عبد الرحمن بن علی (۱۴۲۱ق)، **تلبیس إبلیس**، بیروت: دار الفکر.
۱۵. ابن الجوزی، عبد الرحمن بن علی (۱۴۰۶ق)، **الضعفاء والمتروکین**، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۶. ابن حجر، أحمد بن علی العسقلانی (۲۰۰۲م)، **لسان المیزان**، دار البشائر الإسلامیة.
۱۷. ابن حزم، علی بن أحمد (۱۴۰۳ق)، **جمهرة أنساب العرب**، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۸. ابن داود الحلّی، الحسن بن علی (۱۳۲۴ش)، **الرجال**، تهران: دانشگاه تهران.
۱۹. ابن الرازی، جعفر بن أحمد بن علی (۱۴۲۹ق)، **جامع الأحادیث؛ ولبیه: العروس، الغایات، المسلسلات، الأعمال المانعة من الجنة، نوادر الأثر فی علی خیر البشر**، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.

٢٠. ابن شاهین، عمر بن أحمد (١٤٢٤ق)، *الترغیب فی فضائل الأعمال و ثواب ذلك*، تحقیق: محمد حسن محمد حسن إسماعیل، بیروت: دار الکتب العلمیة.
٢١. ابن شاهین، عمر بن أحمد (١٤١٥ق)، *شرح مذاهب أهل السنة*، [بی‌جا]: مؤسسه قرطبه.
٢٢. ابن طلحه، محمد (١٤١٩ق)، *مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول*، مؤسسه البلاغ.
٢٣. ابن عساکر، علی بن الحسن (١٤١٥ق)، *تاریخ دمشق*، بیروت: دار الفکر.
٢٤. ابن الغضائری، أحمد بن الحسین (١٣٨٠ش)، *الرجال*، قم: دار الحدیث.
٢٥. ابن المطهر، الحسن بن یوسف (١٤٤٠ق)، *خلاصه الأقوال فی معرفة الرجال*، کربلاء: العتبة العباسیة المقدسة.
٢٦. ابن المغازلی، علی بن محمد (١٤٢٤ق)، *مناقب الإمام علی بن أبی طالب*، بیروت: دار الأضواء.
٢٧. ابن النجار، محمد بن محمود [بی‌تا]، *الدره الثمینه فی أخبار المدینه*، بیروت: دار الأرقم.
٢٨. ابن النجار، محمد بن محمود (١٤١٧)، *ذیل تاریخ بغداد* [وهو مطبوع مع تاریخ بغداد]، بیروت: دار الکتب العلمیة.
٢٩. أبو نعیم، أحمد بن عبد الله (١٤١٠ق)، *تاریخ أصبهان*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
٣٠. أبو نعیم، أحمد بن عبد الله (١٣٩٤ق)، *حلیه الأولیاء و طبقات الأصفياء*، مصر: السعادة.
٣١. أبو نعیم، أحمد بن عبد الله (١٤١٧ق)، *فضائل الخلفاء الأربعة و غیرهم*، المدینه المنوره: دار البخاری.
٣٢. أبو نعیم، أحمد بن عبد الله (١٤١٩ق)، *معرفة الصحابة*، الرياض: دار الوطن.
٣٣. أحمد بن حنبل (١٤٣١ق)، *مسند أحمد*، دار المنهاج: جمعیة المکنز الإسلامی.
٣٤. الإربلی، علی بن عیسی (١٣٨١ق)، *كشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تبریز: بنی هاشمی.
٣٥. اکبری، عمیدرضا (١٤٠٢ش)، «نقش بازشناسی عقاید و احادیث نصیریان در اعتبارسنجی و فهم میراث روایی امامیه»، استاد راهنما: محمد کاظم رحمان ستایش، دانشگاه قم: دانشکده الهیات.
٣٦. الأهوازی، الحسین بن سعید (١٣٩٩ق)، *الزهد*، قم: المطبعة العلمیة.
٣٧. البخاری، سهل بن عبد الله (١٤٣٢ق)، *سر السلسله العلویة*، قم: کتابخانه مرعشی.
٣٨. البخاری، محمد بن إسماعیل (١٤٢٢ق)، *صحیح البخاری*، بیروت: دار طوق النجاة.
٣٩. البزار، أحمد بن عمرو (١٤٠٩ق)، *البحر الزخار المعروف بمسند البزار*، المدینه المنوره: مكتبة العلوم والحکم.
٤٠. الثقفی، إبراهیم بن محمد (١٣٩٥ق)، *الغارات*، تهران: انجمن آثار ملی.

٤١. الحراني، حسن بن علي ابن شعبة (١٣٦٣ش)، *تحف العقول عن آل الرسول*، قم: جامعة مدرسين.
٤٢. الحسكاني، عبيد الله بن عبد الله (١٤١١ق)، *شواهد التنزيل لقواعد التفضيل*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
٤٣. الخراسان، السيد محمد مهدي (١٤٣٠ق)، *المحسن السبط؛ مولود أم سقط*، قم: مركز الأبحاث العقائدية.
٤٤. الخطيب البغدادي، أحمد بن علي (١٤٢٢ق)، *تاريخ بغداد*، بيروت: دار الغرب الإسلامي.
٤٥. الخوارزمي، الموفق بن أحمد (١٤١١ق)، *المناقب*، قم: جامعة مدرسين.
٤٦. الدارمي، عبد الله بن عبد الرحمن (١٤١٢ق)، *مسند الدارمي*، الرياض: دار المغني.
٤٧. *دلائل الإمامة* (١٤١٣ق)، منسوب به محمد بن جرير الطبري، قم: مؤسسة بعثت.
٤٨. الذهبي، شمس الدين محمد بن أحمد (١٤٠٩ق)، *تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام*، تحقيق: عمر عبد السلام تدمري، بيروت: دار الكتاب العربي.
٤٩. الذهبي، شمس الدين محمد بن أحمد (١٤١٦ق)، *ميزان الاعتدال*، بيروت: دار الكتب العلمية.
٥٠. السجستاني، سليمان بن الأشعث (١٤٠٣ق)، *سؤالات أبي عبيد الآجري أبا داود السجستاني في الجرح والتعديل*، المدينة المنورة: عمادة البحث العلمي بالجامعة الإسلامية.
٥١. السلفي، أحمد بن محمد (٢٠٠٤م-١)، *التاسع من الم شيخه البغدادي*، نشر الكترونيك: برنامج جوامع الكلم.
٥٢. السلفي، أحمد بن محمد (٢٠٠٤م-ب)، *الرابع والعشرون من المشيخه البغدادي*، نشر الكترونيك: برنامج جوامع الكلم.
٥٣. الشافعي، محمد بن إدريس (١٤٠٩ق)، *السنن*، جدة: دار القبلة.
٥٤. الشجري، يحيى بن الحسين (١٤٢٩ق)، *الأمالي الإثنييه*، صنعاء: مؤسسة زيد بن علي.
٥٥. الشلمغاني، محمد بن علي (١٤٤٤ق)، *إثبات الوصيه المنسوب إلى المسعودي* وهو كتاب الأوصياء لمحمد بن علي الشلمغاني، تحقيق: عباس الكثيري، قم: مؤسسة كتابشناسي شيعه.
٥٦. *صحيحه الرضا* (١٤٠٦ق)، منسوب به امام رضا عليه السلام، مشهد: كنگره امام رضا.
٥٧. الطبراني، سليمان بن أحمد (١٤١٥ق)، *المعجم الأوسط*، القاهرة: دار الحرمين.
٥٨. الطبراني، سليمان بن أحمد [بى تا]، *المعجم الكبير*، القاهرة: مكتبه ابن تيميه.
٥٩. الطبرسي، الفضل بن الحسن (١٣٩٠ق)، *إعلام الوري بأعلام الهدى*، تهران: اسلاميه.

٦٠. الطوسی، محمد بن الحسن (١٤١٤ق)، *الأمالی*، قم: مؤسسه بعثت.
٦١. الطوسی، محمد بن الحسن (١٤٢٧ق)، *رجال الطوسی*، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: جامعه مدرسین.
٦٢. الطوسی، محمد بن الحسن (١٤١١ق)، *الغیبه*، قم: دار المعارف الإسلامية.
٦٣. الطوسی، محمد بن الحسن (١٤٢٠ق)، *فهرست کتب الشیعہ و اصولهم*، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
٦٤. عباسی زنجانی، موسی (١٤٣٦ق)، *الجامع فی الرجال*، قم: مؤسسه ولی عصر.
٦٥. العقیلی، محمد بن عمرو (١٤٠٤ق)، *الضعفاء الکبیر*، بیروت: دار المکتبه العلمیه.
٦٦. *الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام* (١٤٠٦ق)، قم: مؤسسه آل البيت.
٦٧. القضاعی، محمد بن سلامه (١٤٣١ق)، *مسند الشهاب*، دمشق: دار الرساله العالمیه.
٦٨. کلینی، محمد بن یعقوب (١٣٦٣ش)، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
٦٩. الکوفی، محمد بن سلیمان (١٤٢٣ق)، *مناقب الإمام أمير المؤمنين علی بن أبی طالب علیه السلام*، قم: مجمع احیای فرهنگ اسلامی.
٧٠. المدینی، محمد بن عمر (١٤٠٦ق)، *نزهة الحفاظ*، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه.
٧١. مسلم بن الحجاج (١٤١٢ق)، *صحیح مسلم*، القاهره: دار الحدیث.
٧٢. *مسند الرضا*، منسوب به امام رضا (ع)، روایة داود بن سلیمان الغازی، قم: دفتر تبلیغات.
- المفید، محمد بن محمد بن نعمان (١٤١٣ق)، *الإشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید.
٧٣. المکی، محمد بن إسحاق (١٤٢٤ق)، *أخبار مکة*، مکة المکرمة: مکتبه الأسدی.
٧٤. النجاشی، أحمد بن علی (١٣٦٥ش)، *رجال النجاشی*، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم: جامعه مدرسین.
٧٥. النجاشی، أحمد بن علی (١٤٠٨ق)، *رجال النجاشی*، تحقیق: محمدجواد نائینی، بیروت: دار الأضواء.
٧٦. النجاشی، أحمد بن علی (١٤٤٢ق)، *رجال النجاشی*، تحقیق: محمود دریاب نجفی، کربلاء: العتبة العباسیه المقدسه.
٧٧. النیسابوری، الحاکم محمد بن عبد الله (١٤٢٩ق)، *فضائل فاطمة الزهراء*، القاهره: دار الفرقان.